

## بررسی تطبیقی اصل تناسب جرم و جزا در حقوق کیفری ایران و اساسنامه ICC (دیوان کیفری بین المللی)

### سهیلا معماری

وکیل پایه یک دادگستری و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

#### چکیده

اصل تناسب جرم و مجازات، به عنوان یکی از اصول حاکم بر تعیین مجازات‌ها، در سال‌های اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. علت اصلی این امر را باید گسترش رویکردهای مکافات‌گرایانه در فلسفه مجازات دانست. همچنین اصل تناسب جرم و مجازات، از مهمترین اصول جزایی اسلام و از واجبات و الزامات مجریان حکومت اسلامی است. یکی از معیارهای تناسب جرم و مجازات تطبیق مجازات جرایم مختلف با ماهیت یکسان است به گونه‌ای که باید حداکثر تناسب بین جرم و مجازات وجود داشته باشد این عدم تناسب در مواردی به نظر نگارنده تحقیق در قانون مبارزه با مواد مخدر دیده می شود مثلا مجازات حمل بیش از ۳۱ گرم مواد مخدر اعدام است و فرقی میان مجازات حمل ۴۰ گرم مواد مخدر با ۵۰ کیلو حمل مواد مخدر وجود ندارد یا مواردی از عدم تناسب در مواد ۲۵، ۱۰۶، ۱۲۱، ۱۳۶، ۱۴۶، ۲۳۴، ۲۸۶، ۳۸۴ ق.ج.م.ا دیده می شود.

**واژه‌های کلیدی:** اصل تناسب جرم و مجازات، حقوق کیفری ایران، اساسنامه ICC

## مقدمه

عقل و شرع بر این نکته تاکید دارند که مجازات می بایست متناسب با میزان جرم باشد، بنابراین عقلانی و عقلایی و بلکه شرعی نیست که شخصی را به جرم دزدی نانی به حبس ابد محکوم کنند و او را از همه حقوق اجتماعی محروم سازند. از نظر عقل و شرع، هر گونه عدم تناسب میان جرم و جزاء، از مصادیق بی عدالتی و ظلم است. از این روست که در آیات قرآنی خداوند بیان می کند که مجازات و کیفری که خداوند می کند همواره بر اساس عدل خواهد بود. خداوند در آیه ۲۶ سوره نباء از «جزاء وفاقا» سخن به میان می آورد که به معنای کیفر مناسب با جرم است. در آیات دیگر همین سوره به خوبی روشن می شود که مجازات ایشان همان تجسم اعمال آنان است. در حقیقت بی هیچ کم و زیادی همان چیزی را انجام داده را به شکل مجازات می ببیند و مجازات اخروی آنان همان باطن اعمال آنان است.

صلاحیت دیوان کیفری بین المللی منحصر است به خطیر ترین جرایم مورد اهتمام مجموعه جامعه بین المللی، دیوان به موجب این اساسنامه نسبت به جرایم زیر صلاحیت رسیدگی دارد:

الف - جنایت نسل کشی

ب - جنایات علیه بشریت

ج - جنایت جنگی

د - جنایات تجاوز ...

۱- جنایات نسل کشی: منظور از نسل کشی عبارت است از اعمال مشخص شده (ماده ۶) که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می پذیرند.

یک نکته در خصوص جنایات نسل کشی این است که تعریف آن از تعریف ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ نسل کشی تبعیت می نماید. البته اساسنامه به کنوانسیون هیچ اشاره ای ندارد.

۲- جنایت علیه بشریت: در تعریف این دسته از جنایات بیان شده است: «هریک از اعمال مشخص شده در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه است که در قالب حمله ای گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می یابند. حمله گسترده و سازمان یافته شامل رفتاری می شود که علیه هر جمعیت غیر نظامی در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان انجام می گیرد.

سه عامل وقوع حمله علیه جمعیت غیر نظامی، گستردگی یا سازمان یافتگی حمله و علم به حمله برای تحقق جنایات علیه بشریت مهم ضروری می باشند.

۳- جنایات جنگی: اساسنامه دیوان رهیافت متفاوتی در خصوص جنایت جنگی در ماده ۸ اتخاذ نموده است. بر خلاف سایر جنایات، جنایات جنگی در حقوق بین الملل شناخته شده اند و رویه های بین المللی و ملی فراوانی در خصوص آنها وجود دارد. در اساسنامه سعی شده است که آن دسته از جنایاتی بعنوان جنایات جنگی گنجانیده شوند که در مورد عرفی بودن آنها شک و تردیدی وجود ندارد. یکی از نکات ابهام آمیز در جنایات جنگی عناصر جرم های ذکر شده برای هر کدام می باشد، بعبارت دیگر نیاز است عناصر هر یک از جرمها تعیین گردد.

۴- جنایت تجاوز: هرگاه مطابق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ اساسنامه مقررات مربوط به جنایت تجاوز تصویب شود، دیوان برای رسیدگی به این دسته از جرایم صالح است. یکی از نکات مبهم اساسنامه بند ۲ ماده ۵ می باشد، در ماده ۵ شرط مطابق بودن مقررات جنایت تجاوز با منشور ملل متحد آمده است که جای تامل دارد.

۵- جرایم مبتنی بر معاهده: در کنفرانس دیپلماتیک رم توجه زیادی نسبت به قابلیت اعمال صلاحیت دیوان به جرایم تروریسم و قاچاق مواد مخدر شد لکن جزء جنایات در صلاحیت دیوان قرار نگرفتند. البته در قطعنامه ای که به سند نهایی ضمیمه شد عنوان گردید که می توان در زمان مناسب کنفرانسی را برای بررسی جرایم تروریست و مواد مخدر جهت رسیدن به یک تعریف مشترک و قرار دادن آنها در صلاحیت ICC برگزار نمود. براساس مواد اساسنامه این کنفرانس نمی تواند زودتر از ۷ سال پس از لازم الاجرا شدن اساسنامه باشد. (یعنی سال ۲۰۰۹)

ایران هم از جمله کشورهای است که اساسنامه ICC که بندهای اصلی آن در فوق ذکر گردید را پذیرفته و امضا کرده است هر چند به دلیل موانع شرعی در بعض موارد بندهای اساسنامه را نقض کرده است.

این پژوهش در پی تبیین سوالات زیر است:

- ۱- ضرورت رعایت اصل تناسب جرم و مجازات در نظام کیفری ایران و حقوق بین الملل چیست؟
- ۲- راهکارهای ایجاد تناسب جرم و جزا در حقوق کیفری ایران و حقوق بین الملل کدام اند؟
- ۳- در نظام حقوق کیفری ایران و حقوق بین الملل اصل تناسب جرم و جزا تا چه میزان رعایت گردیده است؟

### پیشینه پژوهش

#### الف. پایان نامه ها:

رضایی امین، فاطمه پایان نامه کارشناسی ارشد تناسب جرم و مجازات از دیدگاه اسلام دانشکده الهیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور ۱۳۸۸

اصل تناسب جرم و مجازات، از مهمترین اصول جزایی اسلام و از واجبات و الزامات مجریان حکومت اسلامی است، تأکید اسلام بر حد و مرز مشخص و معین برای مجازاتها از اینجا ناشی می شود که اسلام برای هر چیز اندازه و حدی قرار داده است خصوصاً برای مجازاتها که تحمیل درد و رنج و الزام خاص به انسان هاست و فقط براساس ضرورتها تعیین می شود و تا آن اندازه مجاز است که برای جلب مصلحت و دفع مفسده کافی باشد و بیش از آن اثرات و مقاصد شارع مقدس را زایل می نماید. براساس متون دینی و کتب فقهی و روایی، تدابیری کیفری به عنوان مجازاتهای شرعی در آثار فقها مورد بحث و نگارش قرار گرفت، بی تردید وضع و تقدیر، افزایش و کاهش این کیفرها در اندیشه فقها خود، تابع ملاک و معیار و منفعت و مفسدههایی بوده است. که در این پژوهش ابتدا این معیارها از دیدگاه فقه جزایی و به تبع آن حقوق موضوعه تا حدودی مورد بحث قرار گرفته و در ادامه چگونگی تعیین مجازات در پرتو اصول تناسب مورد بررسی قرار گرفت در مورد تناسب مجازات با جرم، مراحل مختلف آن شامل تعیین مراتب جرائم، تعیین مراتب مجازاتها و تطبیق مجازاتها با جرائم است و در بخش تناسب مجازات با مجرم در مورد فردی سازی مجازاتها بحث شد. در فصل پایانی نیز نمونه هایی از جرایم و مجازات آنها مورد بررسی قرار گرفت که به نظر می رسد مجازاتهای اسلامی نه تنها خشن نیستند بلکه با جرم ارتكابی تناسب دارند.

هوشیار، مهدی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رویکرد اصل ترتیبی نظام رتبه بندی مجازاتها در حقوق کیفری ایران، دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۸

اصل تناسب جرم و مجازات که مبتنی بر عدالت و انصاف است؛ بیانگر انسجام درونی و نظام مند بودن قوانین کیفری است. بر مبنای اصل تناسب ترتیبی- که شاخه ای از اصل کلی تناسب است- مجازاتها باید بر اساس شدت جرایم رتبه بندی شده باشند. عنایت به اصل مذکور، بستگی به رسالتی دارد که هر نظام کیفری در پی آن است. به طور کلی تئوری های تخصیص

مجازات به دو دسته پیامدگرا و غیرپیامدگرا (استحقاقی) تقسیم می‌شوند. رسالت اصلی تئوری‌های پیامدگرا که اثر مجازات را نسبت به آینده مورد توجه قرار می‌دهند، بیشتر پیشگیری از وقوع جرم و تامین صیانت جامعه و شهروندان است. محور مطالعات تئوری‌های استحقاقی، مبتنی بر گذشته بوده و هدف اولی خود را مجازات جرم واقع شده قرار می‌دهند. به جهت این که هیچ یک از تئوری‌های مذکور به تنهایی نمی‌تواند مبنای منطقی برای نظام عدالت کیفری باشد؛ برای دستیابی به تمامی اهداف مجازات، یک تئوری دوگانه پیشنهاد شده است. در این پایان نامه، با تبیین تئوری‌های وضع و تخصیص مجازات، مقررات کیفری ایران را از منظر اصل تناسب ترتیبی و عناصر آن، بررسی کرده‌ایم. با مذاقه در مقررات کیفری ایران مشاهده می‌شود که مقنن در رسالت خود از یک سیاست جنایی سنجیده بهره نگرفته و در تخصیص مجازات بر مجرمان، بیشتر از تئوری‌های پیامدگرا تبعیت کرده است. به جهت فقدان معیارهای شدت جرم و مجازات- که عناصر اصلی تناسب ترتیبی هستند- در مقررات داخلی، با ارائه معیارهای مقبول در اکثر تحقیقات، استنباط می‌شود که قانونگذار به طور نظام‌مند از شاخص‌های اصل تناسب ترتیبی استفاده نکرده و همین امر موجب ناهمگونی و عدم تناسب جرم و مجازات در مقررات کیفری شده است. جهت رفع ایرادات، لازم است فرایند تحقق اصل مذکور، به طور نظام‌مند طی شود و از این رو بازنگری کامل در این قانون ضروری می‌نماید.

#### ب. مقالات:

رحیمی نژاد اسماعیل، حبیب زاده محمدجعفر- مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی- فصلنامه حقوق- مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی: تابستان ۱۳۸۷- دوره ۳۸- شماره ۲- صص ۱۱۵ تا صفحه ۱۳۳

مجازات‌های نامتناسب، مجازات‌هایی هستند که بدون توجه به معیارهای تناسب میان جرم و مجازات یعنی معیار صدمه وارده، اهمیت مطلق و نسبی جرایم، نوع جرم ارتكابی و خصوصیات شخصیتی مجرم و درجه و نوع تقصیر بزه دیده تعیین و یا اعمال می‌شوند. بنابراین، در نظر گرفتن اهداف کیفرشناختی یعنی تنبیه و اصلاح مجرم، پیشگیری عمومی و خصوصی و تامین دفاع اجتماعی به عنوان بخشی از معیارهای تناسب با فلسفه وجودی اصل تناسب مغایر است. علت اصلی ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب در نظام بین‌المللی حقوق بشر و همچنین نظام‌های حقوقی داخلی، ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان و احترام به حیثیت و کرامت ذاتی اوست. در نظام حقوقی ایران اصل ممنوعیت مجازات‌های نامتناسب در هیچ یک از قوانین موضوعه به صراحت پیش‌بینی نشده و مجازات‌های تعیین شده در بسیاری از قوانین کیفری با معیارهای اصلی تناسب هماهنگ نیستند. در این مقاله، معیارهای اصلی تناسب جرم و مجازات و جایگاه آن در نظام عدالت کیفری ایران، مفهوم مجازات‌های نامتناسب و مبانی فلسفی ممنوعیت این قبیل مجازات‌ها بررسی می‌شود.

#### تعریف تناسب:

تناسب لغتی عربی و از باب تفاعل است که به عملی طرفینی اشاره دارد در لغت فارسی به معنی "به همدیگر پیوند شدن و با هم مناسبت داشتن و وجود داشتن نسبت و رابطه میان دو کس یا دو چیز است و برابری دو نسبت را نیز تناسب گویند" (دهخدا ۱۳۴۲، ج ۱۴، ص ۹۷۶) تناسب یا مناسبت در لغت به معنی هم‌شکلی و نزدیک به هم بودن است و در اصطلاح علوم قرآن، ربط دهنده بین آیات را گویند. از «تناسب» گاه با تعابیر «تناسق» و «اتساق» نیز یاد شده است.

بدراالدین زرکشی می‌نویسد:

"المناسبة في اللغة: المقاربة و فلان يناسب فلاناً اي يقرب منه و يشاكله و منه النسب: الذي هو القريب المتصل: كالاخوين و ابن العلم و نحوه" (زرکشی، البرهان في علوم القرآن، ج ۱ ص ۶۱)

ترجمه: «مناسبت» در لغت یعنی نزدیک به هم بودن و فلان چیز بافلان مناسب است، یعنی بدان نزدیک است و همانند آن. واژه «نسب» نیز از همین ریشه است که همان خویشاوند نزدیک می‌باشد، مانند: دو برادر یا پسر عموها و جز آن. از نظر علم و منطق نیز یکی از ارتباطات دو مفهوم کلی (تباین، تساوی، عموم و خصوص من وجه و عموم و خصوص مطلق است) (خوانساری، ۱۳۶۲: ۹۰)

در علم حقوق مفهوم تناسب در رابطه "تناسب جرم و مجازات" در زمانها و مکانهای مختلف متفاوت است در بعضی از موارد مجازاتی در یک زمان و مکانی متناسب و در یک زمان و مکانی دیگر نامتناسب است چون در مبنای اصلی مجازات مشاهده شده است که حس انتقام جویی باعث عدم تناسب بین جرم و مجازات است اصل قانونی بودن جرم و مجازات یکی از اصول مهم در حقوق ایران می باشد پس لزوم رعایت اصل تناسب مجازات به مقدار وسیعی حیطة اختیار حکومت را در تعیین نوع و میزان مجازات محدود می کند.

### تعریف جرم

واژه جرم، اسم و جمع آن جرائم است واژه جرم به صورت اجرام و جروم نیز جمع بسته شده است. (سیاح، فرهنگ جامع عربی-فارسی، جلد ۱ و ۲، ص ۱۸۵) در زبان فارسی واژه جرم در این معانی به کار رفته است: گناه، بزه، جناح، عصیان، اثم، معصیت، ناشایست. (دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۱، ص ۳۶۰: دشتی، دائرة المعارف جامع اسلامی، ج ۴، ص ۱۲۷) جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است. (سیاح، همان، ج ۱، ذیل کلمه جرم.) و در اصطلاح، علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت بدست نیامده تا از جرم، آنچه تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز اینست که پدیده جرم بر حسب دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آنچه که از نظر یکی جرم محسوب می‌شود بر حسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید. (شامبیاتی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۱۳)

### تقسیمات کلی جرم:

#### ۱- جرم کیفری

جرم کیفری به معنای عام، عبارتست از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد؛ مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، و غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرایم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است. و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارتهای مادی تحقق یابد.

#### ۲- جرم مدنی:

به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حق، زبانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نص خاصی در قانون نداشته باشد مثل ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد

اعمّ از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.»

### ۳- جرم انتظامی:

تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. در واقع، جامعه کوچکی مانند کانونهای صنفی وکلا، سردفتران، پزشکان و... مانند جامعه بزرگ متکی به اصول و مقرراتی است که حافظ نظم و بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است. (اردبیلی، همان، ص ۱۲۱. شامبیاتی، همان، ص ۲۲۶)

### تعریف مجازات از دیدگاه علوم کیفری

مجازات عبارت است از عکس العمل اجتماعی به صورت رنج و تعبی که بر بزه کار اعمال می شود. مجازات توأم با رنج و تعب است و همین خصوصیت باعث می شود تا مجازات ماهیتاً از تدابیر پیش گیری از وقوع جرم و الزام به جبران ضرر و زیان در دعوی حقوقی متمایز شود. مجازات ها با اقدامات تأمینی (تربیتی، مراقبتی، درمانی) نیز متفاوت می باشند. زیرا اقدامات تأمینی به رغم وجه مشترکی که از حیث دفاع و حمایت از جامعه را دارند، اما چون آمیخته با رنج و تعب متهم نیستند، از مفهوم مجازات خارج اند. (مویدی، ۱۳۹۲)

### مفاهیم تناسب جرم و مجازات

مفاهیم تناسب با معیاراتی مانند ارزش انسانی و عقیدتی و گاه با ارزش های مالی نیز مورد سنجش قرار می گیرد مثلاً دکتر ایرج گلدوزیان در بحث مفهوم مجازات خواسته یا ناخواسته از تناسب نیز سخن گفته است " بزهکاری که نظم عمومی و تعادل اجتماعی را مختل نموده مستوجب انتقام اجتماعی، یا کیفری متناسب با ارزشهای انسانی، حیثیتی، عقیدتی، مالی، یا امنیتی نقض شده در جامعه است بنابراین هر اندازه ارزش نقض شده از اهمیت بیشتری برخوردار باشد و قبح رفتار بزهکار از نظر اجتماعی زیادتر باشد عکس العمل اجتماعی شدیدتر است" (گلدوزیان، ۱۳۸۸)

تناسب جرم و مجازات را می توان اینگونه تعریف کرد " ارتباطی است بین جرم و مجازات که باید بر اساس میزان و نوع صدمه و شخصیت مجرم و میزان رشد اجتماعی اشخاص و میزان تأثیری که برای برقراری تعادل روانی از دست رفته افراد اجتماع و ارباب جمعی و بازدارندگی توده مردم با لحاظ متغیرهای شدت و ضعف جرم بر مبنای ارزشهای ثابت برقرار شود" (رضایی امین، ۱۳۸۸، ۱۱) مفاهیم تناسب در مجازات اکثراً در معانی ذیل مفهوم پیدا می کند: (رحمدل، ۱۳۸۹: ۵۰)

الف - شدت مجازات باید میزان تقبیح یا عدم تایید رفتار مجرمانه را نشان دهد.

ب- شدت مجازات باید با مقدار تقبیح یا عدم تایید افزایش یابد و عدم تایید و تقبیح نیز باید متناسب با شدت جرم افزایش یابد، به عبارت دیگر هر چه جرم شدیدتر باشد مجازات شدیدتری نیز خواهد داشت و یا می توان گفت که باید بین شدت جرم ارتکاب یافته و مجازات معین شده، همبستگی وجود داشته باشد.

نظریه تناسب جرایم و مجازات ها را منتسکیو در کتاب روح القوانین و سزار بکاریا در رساله جرایم و مجازات ها عنوان کرده اند به نحوی که در حال حاضر همه علمای حقوق جزا در خصوص این نظریه متفق القول هستند.

قانونگذار ایران در موارد متعدد بدون توجه به معیارهای اصلی تناسب و عمدتاً با در نظر گرفتن اهداف پیشگیری عمومی و خصوصی و مصلحت اجتماعی به جرم انگاری و وضع مجازات پرداخته است و بدین ترتیب از محدوده وفاداری مطلق به عدالت و استحقاق خارج شده است. (اکبری، ۱۳۹۳: ۱۴)

### تعریف اصل تناسب جرم و جزا در حقوق بین المللی کیفری<sup>۱</sup>

اصل تناسب جرم و جزا عبارت است از رابطه ای بین جرم و مجازات بین المللی که باید با خصوصیت موثر و مفید بودن بر اساس نوع و میزان صدمه ی وارده، وضعیت بزه دیده و بزه کار و اوضاع و احوال ارتکاب جرم و نوع احساس عدالت در جامعه ی بین المللی و کشور محل وقوع جرم برای برقراری تعادل روانی از دست رفته ی بشریت و بازدارندگی بر پایه ارزشهای جهان شمول بین آنها بر قرار باشد. این تعریف نتیجه بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی اصل، تناسب، جرم، مجازات و حقوق بین المللی کیفری است.

واژه اصل در اینجا به معنی قاعده ای قانون ساز و آمره است که وجود خود را از معاهده ی چندجانبه ای به نام اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی می گیرد و موجد قواعد حقوقی عام، اساسی و خاصی است که ملاک های تقنینی، قضایی و اجرایی از آن نشأت گرفته و یا لازمه ی تحقق این اصل در عرصه ی جهانی است. آن هم برای پایان دادن به دامنشی ها، حفظ نظم عمومی بین المللی، تحقق عدالت کیفری و مجازات مجرمینی که وجدان بشریت را به درد آورده اند. واژه ی تناسب کلمه ای عربی از ریشه ی (نسب) و مصدر ثلاثی بر وزن تفاعل و دارای مفهوم فعلی دو طرفینی است. در لغت فارسی به معنی به همدیگر پیوندشدن و با هم مناسبت داشتن و وجود داشتن رابطه و نسبت میان دو کس و یا دو چیز است و برابری دو نسبت را نیز تناسب می گویند.<sup>۲</sup>

در لغت نامه های انگلیسی، واژه ی تناسب اغلب، معادل «Proportionality» آمده و از متفرعات اصل قانونی بودن جرم و مجازات در مکتب عدالت مطلقه است که با هدف سزاکرایی همخوانی دارد. همین اصل در مکتب تحقیقی حقوق جزا، به عنوان اصل تفرید مجازات مطرح است. در مکاتب حقوقی مبتنی بر دین نیز اصل تناسب مکافات با گناه مدنظر شارع مقدس بوده است؛ برای مثال از دیدگاه اسلامی، صحبت از عدالت بر اساس «استحقاق» (قمر، ۴۵)، «انذار»<sup>۳</sup> (شعرا، ۲۰۷ و ۲۰۸)، «جزائاً وفاقاً» (نبا، ۲۳) و «مجازات به قدر خطا»<sup>۴</sup> (شوری، ۴۰) برای رابطه ی انسان ها با انسان ها از یک طرف، و برای رابطه ی خداوند با انسان و آن کسی که از طرف خدا با انسان رابطه دارد از طرف دیگر می شود. همچنین شاهد فضل و احسان از طریق «مبالغه در عفو»<sup>۵</sup> (شوری، ۳۴-۳۰) برای حفظ کرامت انسانی، «قبول پشیمانی»<sup>۶</sup> (توبه، ۱۱۸؛ غافر، ۳) برای اصلاح و بازسازی، تبشیر<sup>۷</sup> (عنکبوت، ۳۶) برای تشویق و سبقت در امور خیر و «مبالغه در پاداش»<sup>۱</sup> (شوری، ۲۳) برای نهایت لطف

1- The Principal of the Proportionality between Crime and Punishment in International Criminal Laws»; «le principe de la proportionnalité entre le crime et le châtement en droit pénal international»; «el principio de la proporcionalidad entre el crimen y el castigo en las leyes penales internacionales»

۲- برای اطلاع بیشتر رک: زارعی، محمدحسین، «تناسب جرایم و مجازات ها در ایران»، پایان نامه ی دوره ی کارشناسی ارشد رشته ی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۲، صص ۳. به بعد.

۳- «و ما اهلکنا من قریه الا لها منذرون ذکری و ما کنا ظالمین»

۴- «جزاء السیئه سیئه مثلها»

۵- وما اصابکم من مصیبه فیما کسبت ایدیکم و یعفو عن کثیر... ان یشاء یشکن الریح فیظللن رواکدعلی ظهره ان فی ذالک لآیات لکل شکور او یوقهین بما کسبوا و یعف عن کثیر.

۶- تاب علیهم لیتبوا؛ همچنین «غافر الذنب و قابل التوب»

۷- والی مدین اخاهم شعبیا فقال یا قوم اعبدوا الله وارجو الیوم الاخر

و انسان دوستی هستیم. بنا به این عبارات که جملگی مبنای قرآنی دارند به نظر می رسد تناسب مدنظر خداوند استحقاق و شایستگی ذاتی و اکتسابی افراد است که میزان برخورداری و محرومیت ها را برایشان تعیین می کند. این دیدگاه مشابه دیدگاه « اسپارت ها »<sup>۲</sup> و « ملس ها » (آشوری، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، صص ۱۱۰ و ۱۱۳) (البته بر مبنای خودنفعی) در مقابله با امپریالیسم آتنی یا «واقع‌گرایان باستانی»<sup>۳</sup> و مورخین و بعضی فلاسفه ی یونان باستان از جمله سقراط (۳۹۹-۴۷۰ ق م)؛ توکودیدس (۴۷۱-۴۰۰ ق م)، افلاطون و ارسطو در مبحث «سیاست بین‌المللی»، «جنگ»، «عدالت و فضیلت» به مفهوم فضیلت ذاتی و اکتسابی افراد است<sup>۴</sup>؛ که در مجموعه عقاید آرمان‌گرای کلاسیک قرار می‌گیرند<sup>۵</sup> و دنباله‌رو آنان آرمان‌گرایان عقلی مدرن هستند. (بروس راست، ۱۳۸۷)

جست و جوی معنای تناسب در لابه لای این مباحث از این حیث جالب توجه است که هر دو مفهوم عدالت به شرح مذکور به صورت برنامه‌ی عملیاتی اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی قطب‌های سیاسی و قدرت‌های تاثیرگذار در عرصه‌ی بین‌المللی و نظم بین‌المللی درآمده است.<sup>۶</sup> برنامه‌های اجزای سازمان مبارزه با تبهکاری از جمله تبیین ارزش‌های برتر و مورد حمایت کیفری، تعیین اهداف کیفری، جرم‌انگاری و تعیین ضمانت‌اجراه‌های کیفری تشکیلات قضایی و شیوه‌های قضایی و اجرایی با یکدیگر در عمل تفاوت فاحش و متضاد دارند که در مجموع نظام بین‌المللی و جامعه‌ی جهانی را تشکیل می‌دهند.<sup>۷</sup> با این وصف نظام کیفری بین‌المللی وظیفه‌ی حفظ و حمایت از چنین نظام متعارضی را بر مبنای عدالت کیفری بین‌المللی و اصل تناسب جرم و مجازات به عهده دارد. این است که به نظر می‌رسد تناسب جرم و مجازات در نظام بین‌المللی لزوماً باید مفهومی جدید به خود بگیرد به گونه‌ای که مورد قبول همه‌ی اعضای جامعه‌ی بین‌المللی نیز باشد؛ یا باید زمینه‌ی اجرای تناسب جرم و مجازات در نظام حقوقی کیفری بین‌المللی بر اساس مفهوم داخلی آن فراهم آید. همان‌گونه که در ماده‌ی ۸۰ اساسنامه‌ی دادگاه بین‌المللی کیفری رم این معنا تعقیب شده است و صلاحیت آن دادگاه صلاحیت تکمیلی قلمداد گردیده است. (شریعت باقری، ۱۳۸۶) به این ترتیب مفهوم تناسب بر مبنای بلوک بندی‌های مختلف بین‌کشورها مفهومی متفاوت به خود می‌گیرد.

### ملاک‌های تقنینی جرایم و مجازات‌های بین‌المللی

در طول تاریخ اصل تناسب بین جرایم و مجازات‌ها در نظام‌های کیفری داخلی مفهوم ثابتی نداشته است، زیرا چنان که آمد، این اصل به طور مستقیم تحت تاثیر ضابطه‌ای صوری و عینی جرم‌انگاری، انواع عدالت از جمله عدالت استحقاقی، احسان، و فایده‌ی عملی و تاثیر تحقق اهداف کیفری از یک طرف و وضع مجازات‌ها، زمان و مکان اجرای قانون جزا از طرف دیگر بوده است؛ برای مثال در ادوار اولیه ملاک تناسب جرم و مجازات آزار به اندازه‌ی آزار بود (پاشا صالح، ۱۳۴۶، ۴۰) یا طبق اصول مسحیت‌هنگامی بین جرم و مجازات تناسب برقرار می‌شود که باعث بهبود وضع شخص مجرم گردد؛ (آنسل، ۱۳۷۰، ۱۷) یا در حقوق رم هر نوع مجازات و میزان آن که به دل خواه حاکم برای جرایم تعیین می‌شد، متناسب تلقی می‌گردید. (محسنی،

۸- «و من یقترف حسنه نزد له فیها حسنا»

۹- اسپارت‌ها و ملس‌ها اقوامی بودند که با امپریالیسم آتنی در جنگ بودند و ادعای رابطه با خدا و مقابله با امپریالیسم آتنی داشتند.

The War of Peloponnesians and Athenians. -۱۰

-همان<sup>۴</sup>

-همان<sup>۵</sup>

-همان<sup>۶</sup>

-همان<sup>۷</sup>



۱۳۵۶، ۱۵۱) امروزه ما از آن دوران به دوره ی احکام نامعین استبدادی یاد می کنیم و چون مجازات براساس انتقام بود آن را تقبیح می کنیم. از قرن هیجدهم به بعد که دوره ی آزادی نیز به شمار می آید، صاحب نظران مختلف ملاک هایی را برای تناسب جرم و مجازات اعلام داشتند. در ابتدا از این ملاک های نخستین استقبال خوبی به عمل آمد و از آن به عنوان انقلاب اصلاحی یاد شد. اما به تدریج با تکامل جوامع انسانی این ملاک ها مورد انتقاد قرار گرفتند؛ برای نمونه وقتی که منتسکی و در سال ۱۷۴۸ می گفت «مجازات متناسب با جرم آن است که برای جلوگیری از جرم بسته به درجه ی تمدن و فرهنگ هر کشور، موثر باشد.» (منتسکیو، ۱۳۷۰، ۳۹۰). زمامداران، اندیشمندان و آزادی خواهان اروپا از آن استقبال کردند. همین طور عقاید فیلسوفانی چون بنتام، ژان ژاک روسو و سزاریکاریا با استقبال مواجه شد؛ آنها با طرح نظریه ی اجتماعی اعلام داشتند باید: «زیان ناشی از مجازات بیشتر از زیان ناشی از جرم باشد تا میان جرایم و مجازات ها تناسب برقرار گردد.»<sup>۱</sup> این دیدگاه به حکایت تاریخ تحولات کیفری، دگرگونی های عمیقی در مناسبات کیفری از نظر نوع و میزان مجازات به وجود آورد، به گونه ای که منجر به تصویب قانون ۱۸۱۰ م فرانسه شد و سرتاسر اروپا را تحت تاثیر قرار داد. اما همین قاعده ی مقبول، توسط طرفداران «مکتب عدالت مطلقه» به ویژه کانت انتقاد قرار گرفت.<sup>۲</sup> به اعتقاد آنها نظریه ی فوق مبنای جرایم و مجازات ها را فقط منافع اجتماعی دانسته و به امور اخلاقی که زیر بنای جرایم و مسئولیت را تشکیل می دهند، بی توجه بود.

این انتقاد منجر به تلفیق نظریه ی «فایده ی اجتماعی» و این قاعده که مجازات نه بیش از آنچه عدالت اقتضا می کند و نه بیشتر از آن اندازه که فایده دارد»<sup>۳</sup> شد.

اما این مکتب هم با ظهور مکاتب تحقیقی حقوق جزا، به دو دلیل عملی و نظری مورد انتقاد قرار گرفت:

- ۱- **دلیل نظری:** اعتقاد بر این بود که این مکتب آزادی اراده ی انسان را اصل مسلم در مسئولیت اخلاقی مجرم نمی داند.
  - ۲- **دلیل عملی:** تعیین مجازات به تناسب درجه ی «مسئولیت اخلاقی» باعث می شود قضات در قبول و رعایت کیفیات مخففه زیاده روی کنند. و در نتیجه کیفرها بی اثر شود. به ویژه حبس های کوتاه مدت خاصیت ارعاب و اخافه ی عمومی را از دست داده و در اصلاح اخلاقی مجرم به کلی بی فایده می شوند.
- بنیانگذاران مکتب تحقیقی که به واقعیت هایی چون عوامل زیستی، اجتماعی و روانی ارتکاب جرم پی برده بودند، ابتدای نادرست مجازات را براساس مسئولیت اخلاقی و آزادی نادرست دانسته و اعتقاد داشتند که اراده ی مجرم آزاد نیست. بنابراین مجازات ها بر مبنای مسئولیت اخلاقی و فایده ی اجتماعی را نامتناسب ارزیابی می کردند. آنها به مسئولیت اخلاقی مجرم اعتقادی نداشتند، اما مجازات را بر مبنای مسئولیت اجتماعی ضروری دانسته، و برای تناسب جرم و مجازات، به جای طبقه بندی جرایم از حیث شدت و ضعف، پیشنهاد می کردند دسته بندی مجرمین متداول گردد.<sup>۴</sup> طبق این نظر مجرمین به پنج دسته ی بزه کار مادرزاد، به عادت، دیوانه، اتفاقی و هیجانی تقسیم می شوند.<sup>۵</sup>

۱۶- بنتام فیلسوف عقلگرا مولف کتاب «جرائم و پاداش ها» نقل از: محسنی، پیشین، ص ۱۸۹۰ - ژان ژاک روسو، «قرارداد اجتماعی»، ترجمه ی منوچهر کیا، تهران، انتشارات دریا، ص ۴۲-۴۱؛ سزار یکاریا (۱۷۹۴-۱۷۳۸)، رساله جرائم در مجازات ها، ترجمه ی محمدعلی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) ۱۳۶۸، ص ۱۰۵.

۱۷- امانل کانت؛ نقل از: علی آبادی، پیشین، جلد اول، ص ۲۰.

۱۸- نمایندگان اصلی مکتب نئوکلاسیک عبارت اند از گیزو (۱۸۷۴-۱۷۸۷) مولف کتاب اعدام در جرایم سیاسی؛ نتو در جفری (۱۷۹۴-۱۸۴۳) ویکتور کوزن (۱۷۹۲-۱۸۶۷) مولف کتاب پیرامون زندان ها؛ و رسی (۱۷۸۷-۱۸۴۸) انریکو فری؛ استاد حقوق جزا در دانشگاه رم مولف کتاب (جامعه شناسی جنایی) (صاحب نظریه ی قانون اشباع جنایی. برای اطلاع بیشتر رک. کی نیا، مهدی، علوم جنایی، جلد سوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶، صص ۱۲۳۲. به بعد.

۱۹- گارو فال وقاضی دادگستری، مولف کتاب (جرم شناسی ۱۸۸۵ میلادی.

-همان.<sup>۵</sup>

اصول این مکتب نیز به دلیل نفی اراده و اختیار و مسئولیت اخلاقی بزه کار و نیز به دلیل حتمی و علمی نبودن دسته بندی مجرمین، مورد انتقاد قرار گرفت. در ادامه در اواخر قرن نوزدهم نظریه ای تحت عنوان «اصالت عمل جزایی» بر پایه ی اندیشه ی فیلسوف آمریکایی «ویلیام جیمز» مطرح شد؛ در این نظریه برخی با تلفیق گرایش های مکتب نئوکلاسیک و تحقیقی اعتقاد داشتند تناسب بین جرم و مجازات با ائتلاف و پیوند نظریه ی مکتب تحقیقی و کلاسیک میسر است.<sup>۲</sup> در مقابل عده ای نیز معتقد بودند مجازات متناسب با جرم آن است که به اندازه های شدید باشد که جنبه ی ارعاب و تهدید داشته باشد زیرا ترس از مجازات عامل جلوگیری از ارتکاب جرم است.<sup>۳</sup>

در اوایل قرن بیستم نیز گراماتیکا با انتشار کتاب حقوق جزای ذاتی، اعمال هرگونه مجازات را نامتناسب اعلام کرد و خواستار الغای کیفر شد. بالاخره در همین قرن اتحادیه ی بین المللی حقوق جزا با دسته بندی مجرمین به دو گروه قابل اصلاح و غیرقابل اصلاح، مجازات طرد را برای مجرمین غیرقابل اصلاح متناسب و مجازات حبس را برای مجرمین قابل اصلاح متناسب دانسته است. بعضی نیز با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات، مجازات های معلق و مشروط را برای مجرمین قابل اصلاح و اقدامات تامینی بر مبنای طرد را برای مجرمین خطرناک پیشنهاد کرده اند. (دانش، کیفر شناسی و علم زندان ها، ص ۳۹ ببعد.)

این تحولات همچنان ادامه داشته است. یکی از دانشمندان معاصر با ارائه ی اصول مکتب دفاع اجتماعی نوین معتقد است، مجازات متناسب آن است که با شخصیت متهم سنجیده شده و با آن منطبق باشد؛ در این راه با رعایت احترام به آزادی فرد و مقام انسانی مجرم، با تحقیق و پژوهش علمی، شخصیت مجرمین باید شناسایی و در جهت دفاع از گزند آنان، مجازاتی که مدافع اجتماعی و حامی فرد باشد تعیین شود. (آنسل، ۱۳۷۰، ۵۷-۴۰ و ۱۴۵) نظریه ی دیگری نیز درباره ی تناسب جرم و مجازات از دیدگاه جامعه شناسی حقوقی مطرح است. طبق این نظریه علی الاصول مجازات ها ناعادلانه و غیرمنصفانه هستند و با هیچ یک از اهداف حقوق جزا تناسب ندارند، اما اعمال مجازات به خاطر احساس عدالت مردم تا زمانی که به رشد اجتماعی بالایی نرسیده اند ضروری است. از این رو مجازات هنگامی با جرم متناسب است که بتواند احساسات جریحه دار شده ی افراد جامعه را به حالت تعادل اولیه برگرداند. احساس عدالت وابسته به میزان رشد اجتماعی افراد آن جامعه است. (صانعی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۸۰) به هر رو از منظر دانشمندان حقوق کیفری بین المللی (کی نیا، ۲، صص ۱۶ و ۷۲)، جرایم موضوع حقوق کیفری بین المللی، جرایمی ذاتی و قراردادی معرفی می شوند که به موجب معاهدات بین المللی براساس احساس مشترک دول و ملل از فجایعی که وجدان بشریت را متالم می کند، تعیین شده اند و در سطح بین المللی و داخلی قابل تعریف قانونی و تعقیب می باشند؛ در واقع این معاهدات واکنش جامعه ی جهانی را در مقابل تبهکاری های بین المللی سازمان می دهند. (حسینقلی نژاد، ص ۱۱۴)

واکنش های بین المللی در مقابل فجایع انسانی ابتدا از نوع واکنش های سیاسی جمعی و فردی بین المللی از قبیل تحریم ها و قطع روابط سیاسی بوده است. رفته رفته به دلیل عدم کارآیی و عدم تناسب، کشورها روی به تشکیل دیوان های موقت کیفری بین المللی آورده و با اعمال مجازات های رایج، به ویژه در کشورهای نظام کامن لا سعی در اجرای عدالت نموده اند. آخرین سند بین المللی در این زمینه اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی است که در مواد ۵، ۶، ۷۶، ۷۸، ۸۰ انواع جرایم و مجازات ها را تعریف و طبق ماده ی ۱۴۵ آیین نامه دادرسی و ادله، ملاک های اصل متناسب را بر اساس مکاتب مختلف

۲۱- پرنیس بلژیکی، وان هامل هلندی و فون لیس آلمانی.

۲۲- رک. محسنی، پیشین، صص ۲۳۹-۲۳۷.

۲۳- المینا و کارنوله نویسندگان کتاب مکتب سوم ایتالیا؛ نقل از: محسنی، همان.

کیفری کشورهای عضو و دست آورد های جرم شناسی اختصاصی، به خصوص انگیزه ی جرایم به شیوه ی نامعین قانونی تعیین کرده است. در اساسنامه ی دیوان تعریفی ماهوی از جرم ارائه نگردیده است. در این سند تنها اعلام شده هر رفتاری که منطبق با هریک از جرایم در صلاحیت دیوان کیفری بین المللی باشد جرم است. چون جرم بین المللی بر مبنای صلاحیت دیوان به صورت تکمیلی پیشبینی شده است، صلاحیت ذاتی دادگاه های ملی و حاکمیت قانون جزای داخلی در ارتباط با جرایم بی نالمللی همچنان مطرح است. در نتیجه، تعریف صوری جرم و مجازات بین المللی بر مبنای قانون ملی می تواند ملاک تناسب جرم و مجازات به طور غیرمستقیم در سطح بین الملل نیز قرار گیرد.<sup>۱</sup>

### ملاک های قضایی تناسب جرایم و مجازات های بین المللی

در بند دو ملاک های تحقق اصل تناسب جرم و مجازات در سطح بین المللی از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفت. هر چند اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی مبتنی بر اصول کلی نظام حقوقی کامن لا به ویژه نوع بومی شده ی آن در ایالات متحده ی امریکاست، اما در مسئله ی تعیین مجازات ها اصول نظام حقوقی نوشته با اصول نظام کامن لا ممزوج شده است. بنابراین ملاک های قضایی تناسب جرایم و مجازات ها در حقوق کیفری بین المللی را در وهله ی اول باید از مفاد اساسنامه به خصوص منطوق آن، آیین نامه ی دادرسی و ادله و رویه ی قضایی و در صورت ابهام، سکوت و نقص اصول کلی نظام های حقوقی عمده ی جهان، عرف بین المللی و سایر معاهدات بین المللی مرتبط استخراج کرد.

خوشبختانه با اهتمام اندیشمندان حقوق کیفری بین المللی کشورهای شرکت کننده در کنفرانس دیپلماتیک رم (در سال ۱۹۹۸ میلادی) که منجر به تشکیل دیوان کیفری بین المللی گردید، هرچند رای و نظر آنان از طریق نمایندگان سیاسی کشورها در قالب اساسنامه ی دیوان تجلی پیدا کرد، جریان های فکری محوری همه ی نظام های حقوق کیفری معاصر در آن نفوذ کرده، ملاک های متعدد قابل قبول برای همه ی کشور های مختلف در کنار همدیگر زمینه ی مناسبی را برای تعیین مجازات متناسب در اختیار قضات محاکم داخلی و دیوان فراهم کرده است.

### ۱- ملاک های عام تناسب جرایم و مجازات ها در قضا

در نظام عدالت کیفری بین المللی شیوه ی تعیین مجازات نامعین است که البته نه بر مبنای حالت خطرناک بلکه براساس نحوه ی تعیین مجازات در نظام حقوقی کامن لا یعنی عرف و رویه ی قضایی محاکم کیفری پیشین است. به عنوان نمونه اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق مقرر می دارد که شعبه ی بدوی در تعیین مجازات حبس به رویه ی عمومی در خصوص مجازات زندان در محاکم یوگسلاوی سابق توجه خواهد داشت (بند ۱ ماده ی ۲۴ اساسنامه). اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی برای رواندا نیز در بند ۱ ماده ی ۲۳ مقررات مشابهی دارد که در اینجا طبعاً رویه ی عمومی محاکم رواندا در نظر خواهد بود.

مواد ۷۷ و ۷۸ اساسنامه و مواد ۱۴۵ تا ۱۵۵ آیین نامه ی دادرسی و ادله ی دیوان کیفری بین المللی نیز معیار هایی را معرفی کرده که ریشه در سابقه و رویه ی عمومی تعیین مجازات در اکثر کشور های عضو اساسنامه و حتی کشور های جهان دارد. بنابراین جا دارد که ملاک های تعیین شده در مقررات مذکور و سایر معاهدات و مقررات وابسته بر اساس مبانی نظری هر یک

Drumbl, Mark A., Atrocity, Punishment, and International Law, 2007, p.287.-۲۴

از آن‌ها مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. ملاک‌های تمثیلی مندرج در متون حقوقی مذکور می‌تواند به ملاک‌های قضایی عام و ملاک‌های قضایی خاص دسته‌بندی شود.

منظور از ملاک‌های قضایی عام ملاک‌هایی است که در سرتاسر فرآیند رسیدگی در ارتباط با اصل تناسب جرایم و مجازات‌ها قرار می‌گیرند؛ چه ناظر به نحوه‌ی جمع‌آوری ادله و محاکمه باشد، چه ناظر به نقش و جایگاه طرف‌های پرونده و چه ناظر به مسائل ماهوی.

در این باره اصولی که فرع بر اصل تناسب جرایم و مجازات‌هاست عبارت‌اند از:

اصل حق برخورداری متهم از یک محاکمه‌ی منصفانه مبتنی بر برابری اصحاب‌دعا در مقابل دیوان، برابری موقعیت متهم و دادستان، سرعت در رسیدگی، علنی بودن محاکمه، موقعیت بزه‌دیده در دادرسی، و اصول ناظر به جنبه‌های مختلف بزه‌دیدگی مانند بزه‌دیدگی ناشی از سوءاستفاده از قدرت، انواع بزه‌دیدگان مورد حمایت بین‌المللی، مانند افراد بی‌دفاع، زنان و کودکان و رعایت اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان.

و بالاخره منظور از ملاک‌های قضایی خاص آن اصول و ملاک‌هایی است که ناظر به جرایم خاص، مجازات‌های خاص و یا افراد خاص دخیل در فرآیند رسیدگی، می‌باشد.

## ۲- ملاک‌های قضایی خاص تناسب جرایم و مجازات‌ها در قضا

توجه به ملاک‌های قضایی خاص ناظر به جرم از قبیل موضوع جرم، درجات جرم، گستره‌ی آسیب، نوع نتایج رفتار مجرمانه، اوضاع و احوال مکانی و زمانی و کیفیت ارتکاب جرم مانند به‌کارگیری ابزار ممنوعه و توسل به زور و خشونت و یا خدعه و فریب، همچنین توجه به کیفیات مخففه و مشدده‌ای که در اساسنامه برای متناسب‌سازی مورد نظر است، لازمه‌ی رعایت اصل تناسب جرایم و مجازات‌هاست. علاوه بر این، شیوه‌ی ارتکاب جرم، سهم مرتکب در ارتکاب آن، شرایط خاص مرتکب (مثل سن و وضعیت اجتماعی و اقتصادی و نظایر آن‌ها) اکراه، وضعیت روحی و روانی مرتکب (که به حد سلب مسئولیت کیفری نرسند)؛ اقدامات انجام‌شده از سوی او پس از ارتکاب عمل جهت جبران خسارات وارده به قربانی و همکاری با دادگاه، محکومیت‌های قبلی مرتکب به دلیل ارتکاب جرایم مشابه، سوءاستفاده از قدرت دولتی برای ارتکاب، ارتکاب جرم علیه یک قربانی بی‌دفاع، ارتکاب جرم با شیوه‌های ظالمانه یا با انگیزه‌های تبعیض‌آمیز و سایر موارد مشابه ملاک‌هایی هستند که قضات باید به‌هنگام تعیین مجازات به آن‌ها توجه کنند. نکته‌ی قابل‌توجه این‌که ملاک‌های مذکور، تحت‌عنوان کیفیات مخففه و کیفیات مشدده، در بعضی موارد جنبه‌ی تمثیلی و در بعضی دیگر جنبه‌ی احصایی دارد. با مقایسه‌ی متن‌بندهای (A) و (B) از ماده‌ی ۱۴۵ معلوم می‌شود که کیفیات مخففه‌ی مذکور در بند (A) ۲ تمثیلی است، زیرا در احصای مصادیق آن از واژه «از قبیل» (such as)

استفاده شده در حالی که در بند (B) ۲ در (احصای مصادیق کیفیات مشدده) این واژه وجود ندارد؛ البته با توجه به بند ۶۲ (B) که در آن به سایر موارد مشابه اشاره شده به نظر می‌رسد که کیفیات مشدده را نیز نتوان کاملاً حصری دانست، بلکه در واقع نیمه‌حصری می‌باشند.

طبق رویه‌ی قضایی دیوان‌های بین‌المللی، برای تعیین مجازات از قاعده‌ی جمع مجازات‌ها در تعدد مادی و قاعده‌ی اشتغال در تعدد معنوی استفاده شده است.

لحاظ شخصیت، موقعیت و سمت مرتکب از قبیل مافوق و مادون بودن، مباشرت یا شراکت، معاونت، تسبیب، فرماندهی و حالات پس از ارتکاب جرم مانند پشیمانی یا تجری ملاک های دیگری هستند که قضات باید در تعیین مجازات آن ها را نیز مدنظر قرار دهند.

## اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران

### ۱- تناسب قانونی

قانون گذار در مقام تعیین مجازات به سنگینی عمل مجرمانه، درجه تقصیر متهم، عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، وسیله به کار رفته برای ارتکاب، زمان و مکان و..... نظر دارد و بر اساس این شاخص ها مجازات متناسب را تعیین می کند در نهایت شاخص های مد نظر قانونگذار باید به صورت قانونی یا قضایی متناسب با جرم باشند که در ادامه به بحث در این موارد می پردازیم. هنگام وضع قانون قانونگذار به سنگینی عمل مجرمانه و تقصیر متهم توجه می کند و عوامل موثری در این امر از قبیل زمان، مکان و ... جزو عوامل مؤثر در ارتکاب جرم هستند و همچنین قانون به میزان مجازتها (مثل سابقه ارتکاب جرم در مرتکب) نظر دارد.

### ۲- معیار قانونی

یکی از معیارهای تناسب جرم و مجازات تطبیق مجازات جرایم مختلف با ماهیت یکسان است به گونه ای که باید حداکثر تناسب بین جرم و مجازات وجود داشته باشد در ادامه به مواردی اشاره می شود.

### ۱-۲- معیار قانونی در مصوبات مبارزه با مواد مخدر

در مجازات مرتبط با مواد مخدر (مصوب سال ۱۳۶۷ اصلاحی سال ۱۳۷۶) نوعی عدم تناسب به چشم می خورد به عنوان مثال اگر بپذیریم که شدت خطر حاصل از جرم و به تبع آن شدت تقصیر متهم باعث اعمال مجازات و به تبع آن شدت تقصیر متهم باعث اعمال مجازات اعدام یا به حبس ابد به حامل بیش از ۳۰ گرم هروئین می شود (و حداقل مقدار ۳۰ گرم باید ۳۱ گرم باشد) باید مجازات حمل ۳۰، ۲۹، یا ۲۸ گرم هروئین متناسب با مجازات حمل بیش از ۳۰ گرم باشد و یا مجازات جرم اخیر متناسب با حالتی باشد که مقدار مواد ۳۰، ۲۹ یا ۲۸ گرم باشد در حالی که چنین نیست طبق بند ۵ ماده ۸ مصوبه مبارزه با مواد مخدر حمل ۱۵ تا ۳۰ گرم هروئین ۴۰ تا ۶۰ میلیون ریال جزای نقدی، ۱۰ تا ۱۵ سال حبس و ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و طبق بند ۶ همین ماده مجازات حمل بیش از ۳۰ گرم هروئین (اعم از آنکه ۳۱، ۴۱، ۵۱، یا ۹۱ گرم باشد) اعدام است مگر اینکه مرتکب برای بار اول مرتکب این جرم شده باشد و موفق به توزیع یا فروش هروئین نشده باشد و میزان مواد بیش از صد گرم نباشد، با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، مجازات مرتکب طرق تبصره ۱ این ماده حبس ابد خواهد بود اعم از اینکه مقدار مواد ۳۱ گرم ۳۱ تن یا ۳۱۰ تن باشد

سوالی که در اینجا مطرح است آن است که با افزودن یک گرم چه مقدار بزرگی متوجه جامعه می شود که شخص را مشمول بند ۶ کرده و در معرض مجازات اعدام یا حبس قرار می دهد؟ یا با کاهش یک گرم چه اتفاقی می افتد که شخصی به حداکثر ۱۵ سال زندان یا ۷۴ ضربه شلاق و شصت میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود و از اعدام یا حبس رهایی می یابد.

(رحمدل، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

## ۲-۲- معیار قانونی تناسب جرم و مجازات در قانون جدید مجازات اسلامی

مطابق ماده ۱۰۶ قانون جدید مجازات اسلامی در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط میشود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه میشود. هرگاه متضرر از جرم قبل از انقضای مدت مذکور فوت کند و دلیلی بر صرفنظر وی از طرح شکایت نباشد هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارد.

در این ماده زمان مندرج در آن تناسب منطقی برای متضرر از جرم ندارد چون اثبات اینکه متضرر تحت سلطه متهم بوده و..... بعضا مشکل و غیر قابل اثبات است بهتر بود این ماده به نحوی اصلاح می شد که مدت زمان بیشتری حداقل سه سال برای متضرر در نظر گرفته می شد. شاید فلسفه اصلی این قانون کم کردن بار شکایت در دادگاهها می باشد ولی اجرای حق و عدالت به نظر می رسد بهتر از کم کردن میزان مسئولیت دادگاهها باشد.

همچنین بر اساس ماده ۱۲۱ قانون جدید مجازات اسلامی در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی شود.

در این ماده استثنا در نظر گرفتن جرم محاربه یا افساد فی الارض و سرقت و قذف به نسبت سایر جرمها به نوعی عدم تناسب در قانون را نشان می دهد چون جرم محاربه یا افساد فی الارض شاید بر اثر صحنه سازی یا تبانی و یا ..... بوجود آمده باشد لذا شاید فرد بی گناهی به خاطر این ماده قانونی محکوم به مجازات اعدام شود.

همچنین بر اساس ماده ۱۳۶ قانون جدید مجازات اسلامی هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

در مورد این ماده شرایط زمانی، مکانی، و اقتصادی مد نظر قرار نگرفته است چون شاید فردی بنا بر دلایل اقتصادی در زمانهای خاصی ناچار مرتکب جرمی شود که به علت شرایط خاص می باشد لذا لازم بود این موارد مد نظر قانونگذار قرار می گرفت در حال حاضر در کشور ما عده ای صاحب ثروتهای رانتهی کلانی شده اند که مجازات آنها اعدام نبوده است اما چطور ممکن است که جوانی که به خاطر نیاز شدید مالی خانواده اش چندین بار مرتکب سرقت شود و میزان آن کم هم باشد و هر بار حد بر او جاری شده باشد در بار سوم مستوجب مجازات اعدام باشد.

همچنین بر اساس مواد ۱۴۶ ق.ج.م.ا افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند. و بر اساس ماده ۱۴۷ ق.ج.م.ا سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

به نظر می رسد این مواد بویژه در مورد دختران نامتناسب باشد چگونه می توان در جهان کنونی دختر بچه ۹ ساله را مستوجب مسؤولیت کیفری دانست. البته تفسیر این موضوع خود نیاز به تحقیق جداگانه دارد.

بر اساس ماده ۲۳۴ ق.ج.م.ا حد لواط برای فاعل، در صورت عنف، اکراه یا دارا بودن شرایط احسان، اعدام و در غیر این صورت صد ضربه شلاق است. حد لواط برای مفعول در هر صورت وجود یا عدم احسان اعدام است.

این ماده به نظر نامتناسب می آید چون در موارد زیادی احتمال دارد مفعول سن کمتری به نسبت فاعل داشته باشد مثلا جوان ۱۹ ساله هرگز تجربه جوان سی ساله مثلا یک حقوقدان را ندارد و امکان دارد به دلایل زیادی که غیر قابل اثبات است مورد اغفال واقع شود لذا حد لواط برای فاعلی که شرایط احسان را ندارد و با رضایت فاعل و مفعول این عمل شنیع انجام گرفته

است متناسب نیست چگونه می توان توجیه کرد که مجازات مفعول در قیاس با جوان سی ساله به مراتب آگاه تر از جوان ۱۹ ساله است مجازات اعدام باشد.

در ماده ۲۸۶ ق.ج.م.ا هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می شود.

در این ماده به طور گسترده به خوبی تعریف نشده است لذا ممکن است این ماده در موارد زیادی به نفع یا بر علیه متهمی مد نظر قرار گیرد همچنین شکاف طبقاتی و فاصله زیاد فقیر و غنی در جامعه که متأسفانه مشهود است شاید باعث نارضایتی بسیاری از جوانان ناآگاه شود به گونه ای که این جوانان مورد سوء استفاده قرار گیرند ما چگونه می توانیم جوان ۱۸ ساله ای که در یکی از روستاهای واقع در سیستان و بلوچستان در فقر زندگی می کند با جوانی که والدینش پزشک متخصص هستند و چندین برابر میانگین همتران علمی خود درآمد دارند (بدون در نظر گرفتن درآمد کلیه اقشار جامعه) یکی در نظر بگیریم و میزان سوء استفاده دشمنان را از هر دو یکی بدانیم و یک قانون را برای هر دو اعمال نماییم به نظر می رسد که این ماده باید به نحوی مناسب تعدیل شود که این امر نیاز به بررسی جامعه شناسان، روانشناسان، اقتصاددانان و همچنین اعمال نظر این افراد در تعدیل این ماده دارد.

همچنین بر اساس ماده ۳۸۲ ق.ج.م.ا هرگاه زن مسلمانی عمداً کشته شود، حق قصاص ثابت است لکن اگر قاتل، مرد مسلمان باشد، ولی دم باید پیش از قصاص، نصف دیه کامل را به او بپردازد و اگر قاتل، مرد غیر مسلمان باشد، بدون پرداخت چیزی قصاص میشود. در قصاص مرد غیرمسلمان به سبب قتل زن غیرمسلمان، پرداخت مابه التفاوت دیه آنها لازم است.

این ماده در جامعه کنونی جهانی که همه انسانها را اعم از زن و مرد با هم برابر می داند در عصر حاضر متأسفانه به وجهه کشور عزیزمان خدشه وارد می کند به نظر می رسد مصلحت جامعه ایجاب می کند که این ماده به نوعی تعدیل شود و فقهای محترم در این زمینه راهکار جدیدی را ارائه نماید بحث در این زمینه بسیار بحث تخصصی و در صلاحیت مجتهدین گرانقدر می باشد. مورد دیگر در تناسب جرم و مجازات مرتبط با ماده ۲۵ ق.م.ا است که در آن محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می کند:

الف- هفت سال در محکومیت به مجازاتهای سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی

ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار.

پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج.

تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذی‌ربط منعکس نمی‌گردد مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات

تبصره ۲- در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره ۳- در عفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدتهای فوق از زمان عفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد.

به نظر می‌رسد محرومیت از حقوق اجتماعی اثرات نامناسبی بر فرد مجرم متنبه داشته باشد و این امر باعث می‌شود که مجرم به علت بی‌کاری ناشی از محرومیت اجتماعی مجدداً به بزه جرم ادامه دهد هیچ دلیل اثبات شده وجود ندارد که این محکومیتها مانع از تکرار جرم شود بلکه بیکاری ناشی از محرومیت اجتماعی مشوقی برای تکرار جرم خواهد بود لذا پیشنهاد می‌شود در این زمینه تجدید نظر اساسی صورت پذیرد.

### حقوق بزه‌دیدگان در مرحله تعقیب از منظر اساسنامه دیوان کیفری و حقوق کیفری ایران

#### ۱- حق شناسایی و تکریم بزه‌دیده

تقدم حقوق مدعی خصوصی یا زیان‌دیده از جرم بر حقوق عمومی، حق شنیده شدن؛ بدین معنا که بزه‌دیده باید این امکان را داشته باشد که صدای خود را به گوش دیگران برساند و به‌طورکل راهبردهای توانمندسازی بزه‌دیده که جملگی از حیث روان‌شناختی موجب التیام نسبی بزه‌دیده می‌گردد، لازمی تحقق عدالت کیفری کارآمد است. رسیدگی به شکایت بزه‌دیده که جرم و آثار آن (بزه‌دیدگی اولیه یا اصلی) را تجربه کرده است نیز نباید زمینه رفتارهای تحقیرآمیز نسبت به او را فراهم کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶: ۵۰). در همین راستا مشارکت و حضور بزه‌دیده؛ به‌ویژه در آغازگری دعوی کیفری، نباید تصنعی و تشریفاتی، بلکه واقعی و فعال باشد. نباید منزلت وی در حد یک شاهد یا مطلع صرف تنزل یابد. علاوه بر این، بزه‌دیده نباید در صف تماشاگران بنشیند و نمایشی تراژیک را نظاره کند که بازیگران آن دادستان، متهم، وکیل، قاضی و... هستند. در نهایت این‌که ترافعی بودن دادرسی در مراجع قضایی و دادرسی باید اجازه دهد تا بزه‌دیده مکونات قلبی خود پس از بزه‌دیدگی و آثار جانبی آن را بیان نماید (شناسایی موقعیت بزه‌دیدگان).

ماده ۱۳ اساسنامه‌ی دیوان سه طریق را برای شروع به تعقیب در نظر گرفته است، نخست این‌که یک دولت وضعیتی را که در آن یک یا چند جرم در صلاحیت دیوان در آن رخ داده به دادستان ارجاع نماید؛ دوم، شورای امنیت چنین وضعیتی را حتی در صورتی‌که در قلمرو کشورهای غیرعضو رخ دهد به دادستان ارجاع دهد و سوم این‌که دادستان رأساً و به‌موجب ماده ۱۵ اساسنامه، شروع به تعقیب و تحقیق نماید. بر این اساس، بزه‌دیده در دیوان نه به‌طور مستقل و نه به نحو مستقیم، نقشی در شروع یک فرایند کیفری ندارد و برخلاف عمده‌ی نظام‌های کیفری ملی، صرف شکایت بزه‌دیده، دادستان دیوان را موظف به آغاز تعقیب و تحقیق نمی‌نماید. دیوان در جریان بررسی صلاحیت و قابلیت پذیرش به بزه‌دیدگان اجازه داده است که نظرات خود را تسلیم نمایند. (ماده ۱۹ (۳) اساسنامه) علاوه بر این، دیوان خود را پایبند به آموزش کارکنان به‌منظور حفظ تمامیت و شأن بزه‌دیدگان؛ به‌ویژه در موضوعات مربوط به جنسیت و حساسیت‌های فرهنگی آنان می‌داند. (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۸ (d))



در ماده ۶۴ ق.آ.د.ک، جهات قانونی شروع به تعقیب را شکایت شاکی یا مدعی خصوصی، اعلام و اخبار ضابطان دادگستری یا مقامات رسمی یا اشخاص موثق، وقوع جرم مشهود در برابر دادستان یا بازپرس، اظهار و اقرار متهم و یا اطلاع دادستان از هر طریق قانونی معرفی کرده است. با توجه به اشاره به شکایت بزه‌دیده در اولین بند این ماده بدیهی است که در حقوق کیفری ایران و به‌طور کلی در حقوق کیفری ملی کشورهای متفاوت، شایع‌ترین و اصلی‌ترین جهت آغاز پیگرد، شکایت بزه‌دیده است.

## ۲- حق دسترسی فوری و آسان به نظام عدالت کیفری

یکی از جهات عمده‌ی اهمیت موقعیت و نقش بزه‌دیده این است که در بسیاری از پرونده‌ها، این اطلاعات بزه‌دیدگان بوده که منجر به شروع تحقیقات از سوی دادستان شده است (Cohen, 2007: 358) دیوان متعهد به ارائه‌ی مساعدت‌های مناسب اداری و فنی قابل‌دسترس به بزه‌دیدگان است. (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۸ (b)) و در تعیین محدوده‌های زمانی فرایند رسیدگی به «ضرورت تسهیل عدالت و تسریع رسیدگی» و به‌طور خاص مدنظر قرار دادن «حقوق وکیل مدافع و بزه‌دیدگان» توجه دارد. (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۰۱ (۱))

بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، لطمه به حق دسترسی و مشارکت بزه‌دیده در رسیدگی‌های کیفری بین‌المللی، از زمره‌ی جهات نقض شدید حقوق بشر محسوب می‌گردد (Ochoa, 2013: 142).

به‌موجب مواد ۱۲ و ۶۴ ق.آ.د.ک درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با بزه‌دیده است و اولین جهت از جهات قانونی شروع به تعقیب، شکایت بزه‌دیده است. طبق ماده ۱۷۵ ق.آ.د.ک، استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نامبر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا بلامانع است. دیوان صلاحیت شخصی منفی یا صلاحیت بر مبنای تابعیت بزه‌دیده<sup>۱</sup> را نپذیرفته است؛ حال آنکه تشکیل پرونده‌های کیفری بر اساس تابعیت بزه‌دیده در بسیاری از کشورها سابقه دیرینه دارد. قانون‌گذار ایران در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی و در بخش آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای ق.آ.د.ک، در صدر ماده ۶۶۰ و نیز در بند «ت» همین ماده، با پذیرش این نوع صلاحیت، خلأ تقنینی در این زمینه را مرتفع نموده است. عواملی مانند ضعف آگاهی‌ها، مشکلات ترجمه‌ای و وسعت جغرافیایی بسیار زیاد حوزه‌ی عمل، موجب دشواری و کندی دسترسی بزه‌دیده به نظام دادرسی‌های بین‌المللی می‌شود.

## ۳- حق آگاهی یافتن از حقوق

اصل اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده شامل آگاهی از جریان دادرسی و آگاهی یافتن از حقوق است (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۳۴۱). اگرچه بهره‌مندی از این حق محدود به این مرحله نبوده و تمام مراحل دادرسی را شامل می‌شود، اما از آنجاکه شروع دادرسی‌ها با تعقیب آغاز می‌شود و امر «آگاه‌سازی» از این مرحله شروع شده؛ لذا اهمیت این حق در شروع و جریان دعوی کیفری اثر و نمود بیشتری دارد. در دیوان این آگاه‌سازی از تکالیف واحد بزه‌دیدگان و شهود است. (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۶ (۲) (a)) در ماده ۶ ق.آ.د.ک آمده است: «متهم، بزه‌دیده و شاهد باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت تضمین این حقوق فراهم شود»، اما در خصوص این که توسط چه نهادی و به چه صورتی این مسئله باید مراعات شود، چندان ذکری به میان نیامده است.

۲۵-passive personality principle این اصل با عناوین «اصل انفعالی تابعیت مجتبی‌علیه»، «اصل صلاحیت شخصی انفعالی» و «اصل صلاحیت شخصی منفی» نیز به کار رفته است. جهت مطالعه بیشتر ر.ک به: محمدجواد شریعت باقری، حقوق کیفری بین‌المللی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۰، صص ۱۰۸ و ۱۴۵.

### ۳- حق مکتوم ماندن هویت و نشانی بزه‌دیده؛

از جمله مسئولیت‌های واحد بزه‌دیدگان دیوان، تضمین حفظ رازداری از سوی تمام کارکنان، در کلیه مراحل است. (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۸ (a)) نظم و تقسیم‌کاری که دیوان از طریق ایجاد واحدهای فرعی و مستقل با مسئولیت‌های مجزا در این زمینه دارد، موجب تأمین بهتر حقوق بزه‌دیدگان و نیز جلب اعتماد آنان می‌شود. در رویه قضایی دیوان پذیرفته شده است که افشای هویت بزه‌دیده‌ی مشارکت‌کننده، برای طرفین دعوا ضرورت ندارد و قضات با توجه به شرایط هر دعوا، اقدامات لازم را برای عدم ایجاد لطمه به حقوق متهم اتخاذ خواهند کرد (رضوی فرد؛ فقیه محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۸). در ماده ۴۰ ق.آ.د.ک، افشاء اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.<sup>۱</sup> طبق ماده ۱۰۱ ق.آ.د.ک این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی و سایر مراحل رسیدگی نیز به رسمیت شناخته شده است.

### حقوق بزه‌دیدگان در مرحله تحقیق؛

#### ۱- حق حفاظت از بزه‌دیده و خانواده‌ی وی

تأمین امنیت که باید منجر به کاهش نگرانی‌های بزه‌دیدگان گردد از طریق حمایت از هویت بزه‌دیده و حفاظت فیزیکی محقق می‌شود (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۳۲۸). این حمایت‌ها به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا در بدو تعقیب کیفری، بزه‌دیده و تعرض به تمامیت جسمانی او می‌تواند شروع یا ادامه‌ی جریان دادرسی را با مشکل مواجه سازد (آشوری، خدادادی، ۱۳۹۰: ۲۴-۱۹). در دیوان، تأمین اقدامات حفاظتی و امنیتی مناسب و ایجاد طرح‌های حمایتی کوتاه‌مدت و بلندمدت برای حفاظت از بزه‌دیدگان، در وهله اول؛ ضمن مشورت با وکلای مدافع آنان و در مرحله دوم، با در نظر گرفتن نیازها و شرایط خاص، برای هرکس که احساس شود در خطر است، لحاظ می‌گردد. (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۷ (۲))

به تدابیر گسترده‌ی حفاظتی از بزه‌دیدگان در تمام مراحل کلاً در مقررات دیوان اشاره شده است. (اساسنامه دیوان. مواد ۶۴ و ۶۸). اتخاذ تدابیری مانند استفاده از نام‌های مستعار و مشارکت بزه‌دیده از طریق ویدئو کنفرانس در همین راستا صورت گرفته است (آشوری؛ خدادادی، ۱۳۹۰: ۲۰). مواد ۸۷ و ۸۸ آیین دادرسی و ادله دیوان، دو قاعده‌ی اساسی در رژیم حفاظتی دیوان هستند که اختصاصاً به بحث حفاظت از بزه‌دیدگان و شهود می‌پردازند. این مواد، اساساً از بند ۱ ماده ۶۸ و بند ۲ ماده ۶۹ اساسنامه‌ی رم نشئت گرفته‌اند (Brady, 2001: 435) در بند ۵ ماده ۶۸ اساسنامه، تصریح شده است که چنانچه افشای مدارک یا اطلاعات، شاهد یا خانواده او را در معرض خطر شدید قرار دهد، دادستان می‌تواند تا جایی که این امر منافی با حقوق متهم نباشد به ارائه‌ی خلاصه‌ای از آن اکتفا نماید. در این زمینه، هرچند اساسنامه راجع به بزه‌دیده و خانواده‌ی وی ساکت است، اما به نظر می‌رسد منعی در جهت تعمیم آن به ایشان نداشته باشیم. در همین راستا، بند ۱ ماده ۸۸ آیین‌نامه‌ی دبیرخانه دیوان نیز تأکید کرده است که باید از اطلاعات مربوط به خانواده‌ی بزه‌دیدگان که ممکن است در معرض خطر باشند، محافظت شود. ماده ۹۷ ق.آ.د.ک، بازپرس را موظف نموده که به‌منظور حمایت از بزه‌دیده و خانواده‌ی وی در برابر تهدیدها، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دستور دهد.<sup>۲</sup> سیاق این عبارات حاکی از این است که اعمال این

۲۶- بهتر بود که علاوه بر تعیین قانون، تجویز بازپرس نیز در متن این ماده اضافه می‌شد. رک به: خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۴، ص ۵۹.

۲۷- از وحدت ملاکات این ماده با مواد ۶۲ و ۵۶۰ ق.آ.د.ک ممنوعیت تحمیل هزینه‌های این اقدامات به افراد مورد حمایت، استنباط می‌شود.

حق منوط به بروز تهدید است؛ لذا بهتر بود تدوین‌کنندگان برای جلوگیری از برداشت‌های متعارض، به «تهدیدهای بالقوه و احتمالی» نیز تصریح می‌نمودند. ماده ۲۳۸ ق.آ.د.ک، صدور قرار بازداشت موقت را در برخی موارد، منوط به وجود شرایطی نموده است. یکی از این شرایط که در بند (پ) آمده، عبارت است از اینکه؛ آزاد بودن متهم موجب به خطر افتادن جان شاکی یا خانواده او باشد.

## ۲- حق مشارکت در تحقیقات و ارائه‌ی ادله؛

بزه‌دیده بهترین شخصی است که با ارائه‌ی اطلاعات و جزئیات از زوایای رویداد مجرمانه، می‌تواند مقامات تحقیق را در کشف حقیقت و درک صحیح از چگونگی رخدادها یاری نماید. اظهار نظر بزه‌دیده راجع به آثار جرم بر خود و نیز حکم محکومیت و آنچه که بزه‌کار را مستحق اعمال آن می‌داند، از حقوق بزه‌دیده محسوب می‌شود. بزه‌دیدگان به‌منظور مشارکت در دیوان، باید فرم‌های درخواست را که از طریق سایت دیوان، قابل‌دسترس است، تنظیم نمایند. یکی از حقوق‌دانانی که نمایندگی بزه‌دیدگان در وضعیت دارفور را بر عهده داشت، گفته است که تکمیل درخواست از سوی بزه‌دیدگان، دانش حقوقی بسیار زیادی را می‌طلبد و لذا انجام آن توسط اشخاص غیرمتخصص مقدور نیست (War, crime's research office, ۲۰۰۹: ۱۳). مقررات موضوعه دیوان در خصوص مشارکت بزه‌دیدگان، کلی است و این امر؛ قضات را قادر می‌سازد تا رویکرد موسعی در این راستا اتخاذ نمایند (رضوی فرد، ۱۳۹۰: ۱۹۵). تاکنون دادستانی، شعب مقدماتی، شعب دادگاه و حتی شعبه تجدیدنظر، اقدام به تصمیم‌گیری در زمینه‌ی مشارکت بزه‌دیدگان نموده‌اند که در این میان بحث مشارکت در تحقیقات؛ به‌ویژه تحقیق در یک وضعیت، بیشترین چالش‌ها و اختلاف‌نظرها را به خود اختصاص داده است. در «وضعیت جمهوری دموکراتیک کنگو» نماینده دادستان معتقد بود که مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله‌ی تحقیقات، مغایر حقوق متهم و دادرسی عادلانه است.<sup>۱</sup> دادستان برخلاف شعبه‌ی مقدماتی، اصرار دارد که شخص یا اشخاص، زمانی به‌عنوان بزه‌دیده جهت مشارکت در مرحله‌ی تحقیقات یک «وضعیت» تلقی می‌شوند که شرایط قاعده ۸۵ آیین دادرسی و ادله و ماده (۳) ۶۸ را به‌طور توأمان دارا باشد. دادستان مدعی است که اجازه‌ی مشارکت به‌طور کلی (بلاکد) در سطح «وضعیت»، هیچ مبنایی در اساسنامه ندارد و در این راستا استدلال می‌کند که احراز شرایطی از قبیل این‌که آیا یک بزه‌دیده، منافع شخصی در یک وضعیت را دارا است و نیز این‌که آیا این منافع شخصی در معرض تعرض قرار گرفته یا نه، مستلزم رسیدگی قضایی است و از آنجا که در مرحله‌ی تحقیق یک وضعیت در دادسرا، رسیدگی قضایی و نیز قضاوتی صورت نمی‌گیرد، لذا مشارکت بزه‌دیده در این مرحله پذیرفته نیست. در مقابل، شعبه مقدماتی استدلال‌های دادستان را نپذیرفته که ذیلاً به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

علی‌القاعده، ترجمه و تفسیر واژه "procedure" در متن فرانسوی و واژه "proceeding" در متن انگلیسی ماده (۳) ۶۸ اساسنامه، شامل مرحله‌ی تحقیق یک وضعیت نیز شده و بدین ترتیب به‌طور کلی به بزه‌دیدگان حق دستیابی به دیوان در این مرحله داده شده است.<sup>۲</sup> قاضی رنه بلتمن اظهار داشته است که: «مشارکت بزه‌دیدگان یک امتیاز اعطایی از سوی قضات نیست بلکه حقی است که اساسنامه برای بزه‌دیدگان به رسمیت شناخته است»<sup>۳</sup> در جای دیگر شعبه استدلال نموده است که

<sup>۱</sup> -Op.cit. p. ۳۴۵

<sup>۲</sup> - See: No. ICC- ۱۰/۱۰/۴/۰۱- ten-corr, pre- trial chamber\, ۱۷January ۲۰۰۶, par. ۴۶

<sup>۳</sup> - prosecutor V. Thomas LubangaDyilo, separate and dissenting opinion of judge, Rene Blattman to decision on victim's participation, ICC- ۸/،۱۱۱۹-۰۶/۰۱-۰۴ / ۰۱January ۲۰۰۸, para. ۱۳

اعطای] حق مشارکت بزه‌دیدگان [در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی، در استانداردهای بین‌المللی شناسایی شده در ارتباط با حقوق متهم و محاکمه عادلانه و بی‌طرفانه، نه الزام شده است و نه منع؛<sup>۱</sup>

به‌علاوه مشارکت بزه‌دیدگان در مرحله‌ی تحقیق، به‌خودی‌خود نه صحت و بی‌طرفی تحقیقات را به مخاطره می‌اندازد و نه با کارآمدی و وثاقت رسیدگی‌ها، ناسازگار است،<sup>۲</sup> اما در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸، شعبه‌ی تجدیدنظر، رأی شعبه‌ی مقدماتی را نقض نمود و این‌گونه حکم داد که «تحقیق» یکی از مراحل رسیدگی مورد اشاره در ماده (۳) ۶۸ محسوب نمی‌گردد.<sup>۳</sup> اجازه مشارکت به بزه‌دیدگان در بررسی و ارزیابی اولیه‌ی وضعیت ارجاعی از سوی دول عضو و نیز بر طبق اختیار انحصاری دادستان، برخلاف اساسنامه دیوان قلمداد می‌گردد.<sup>۴</sup> طبق تشخیص شعبه تجدیدنظر، حقوق مندرج در ماده (۳) ۶۸ منحصر به مراحل دادرسی نزد دیوان بوده و لذا شعبه مقدماتی، به‌غلط، این حقوق محدود را تعمیم بخشیده و شامل «تحقیقات» نیز دانسته است.<sup>۵</sup> شعبه پژوهشی تشریح نمود که مانعی برای حضور و مشارکت بزه‌دیدگان در رسیدگی‌های قضایی نظیر رسیدگی‌هایی که در تحقیقاتش منافع و مصالح شخصی بزه‌دیده مورد تعرض قرار گرفته باشد، وجود ندارد.<sup>۶</sup> این موضع، در وضعیت دارفور نیز توسط شعبه‌ی تجدیدنظر تأیید شد.<sup>۷</sup> اساسنامه‌ی دیوان آنجا که دادستان با احراز وجود زمینه‌های کافی جهت پرداخت به تحقیق، از شعبه مقدماتی درخواست اخذ مجوز می‌نماید به بزه‌دیدگان اجازه داده است که در شعبه طرح شکایت نمایند. (اساسنامه رم، ماده (۳) ۱۵) در دادرسی دیوان، واحد بزه‌دیدگان و شهود مکلف به مساعدت به بزه‌دیدگان به‌منظور شرکت آنان در مراحل مختلف رسیدگی می‌باشد. (آیین دادرسی و ادله، ماده ۱۶ (C)) درباره‌ی ارائه‌ی ادله، شعبه دیوان در عمل در پرونده‌ی «بمبا» به بزه‌دیدگان اجازه‌ی ارائه‌ی ادله به‌منظور اثبات مجرمیت متهم مزبور را اعطاء نمود،<sup>۸</sup> اما در حقوق ایران، پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، بر اساس ماده ۱۵ ق.آ.د.ک، زیان‌دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده‌ی به مرجع تعقیب تسلیم کند. همچنین طبق ماده ۱۰۰ این قانون، شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌ی خود را ارائه کند و در تحقیقات حضور داشته باشد. ماده ۱۲۳ ق.آ.د.ک نیز امکان درخواست به انجام تحقیقات محلی از بازپرس را به بزه‌دیده‌ی شاکی داده است. باوجوداین به نظر نمی‌رسد که بازپرس، مکلف به پذیرش این‌گونه درخواست‌ها باشد (ساقیان، ۱۳۹۳: ۱۲۶). بدیهی است که در مقام مقایسه؛ دیوان، حقوق ناچیزی را برای بزه‌دیده در این مرحله قائل شده است. علاوه بر این، در همین موارد اندک نیز مقررات دیوان، جنبه ارشادی دارد؛ نه تکلیفی. به‌موجب ماده ۱۹۰ ق.آ.د.ک، دادسرا صرفاً در «جرایم قابل‌گذشت» آن‌هم «در صورت امکان» می‌تواند تحقیق از متهم و شاکی

<sup>1</sup> - NO. ICC- ۰۱/ ۰۴- ۰۱/ ۰۷- ۷۴۷, pre- trial chamber ۱ (single judge), ۱۳May ۲۰۰۸. Par. ۷۲

<sup>2</sup> - See: No. ICC ۱۰/۱۰۴/۰۱- ten-corr, pre- trial chamber ۱, ۱۷January ۲۰۰۶, par ۵۷

<sup>3</sup> - Situation in the democratic republic of Congo, Judgment on victim participation in the investigation stage of the proceedings in the appeal of the OPCD against the decision of pre- trial chamber I of ۷December ۲۰۰۷ and in the appeals of the OPCD and the prosecutor against the decision of pre- trial chamber I of ۲۴December ۲۰۰۷, situation NO. ICC- ۰۱/ ۰۴OA ۴OA ۵OA۶ (appeals chamber, December ۱۹,۲۰۰۸) at par.۴۵ .

<sup>4</sup> - Ibid at: paras ۵۱, ۵۴

<sup>5</sup> - Ibid at paras ۵۵, ۵۶

<sup>6</sup> - Ibid at para. ۵۶

<sup>7</sup> - situation in Darfur, judgment on victim participation in the investigation stage of the proceedings in the appeal of the OPCD against the decision of pre- trial chamber I of ۲December ۲۰۰۸ and in the appeals of the OPCD and the prosecutor against the decision of pre-trial chamber I of ۶December ۲۰۰۷, situation NO. ICC- ۰۵/۰۲OA OA ۲OA۳ (appeals chamber) which directly cites the ۱۹December ۲۰۰۸ decision of the appeals chamber.

<sup>8</sup> - ICC, Prosecutor v Bemba, Decision (i) Ruling on Legal Representatives' Applications to Question Witness ۳۳ and (ii) Setting a Schedule for the Filing of Submissions in Relation to Future Applications to Question Witnesses, ICC-۱۷۲۹-۰۸/۰۱-۰۵/۰۱, ۹September ۲۰۱۱; cf. ICC, Prosecutor v Katanga and Chui, Applications for the Conduct of the Proceedings and Testimony in Accordance with Rule ۱۴۰, ICC-۱۶۶۵-۰۷/۰۱-۰۴/۰۱, ۲۰November ۲۰۰۹ paras.۹۰-۹۱

را به صورت توافقی برگزار نماید و در سایر موارد، تحقیق غیرعلنی و انفرادی به عمل می‌آید. بازپرس به موجب ماده ۲۰۴ ق.آ.د.ک با معرفی شاکی، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع، ضروری تشخیص دهد؛ برابر مقررات احضار می‌کند. در ماده ۱۵۹ ق.آ.د.ک سابق، شاهد اگر بار اول حضور پیدا نکند، برای بار دوم احضار می‌شود و اگر عذرش موجه نبود برای بار سوم جلب می‌گردد، اما طبق ق.آ.د.ک به نظر می‌رسد به منظور جلوگیری از اطاله‌ی دادرسی، اگر شاهد بار اول حاضر نشود و عذر موجهی که مورد پذیرش بازپرس باشد، نداشته باشد برای بار دوم جلب خواهد شد.

### ۳- حق اطلاع از محتویات پرونده

آگاه کردن بزه‌دیده از تحولات پرونده، بدون لزوم به مراجعه‌ی حضوری؛ موجب افزایش تمایل وی در کمک و همراهی در فرآیند رسیدگی می‌شود (آشوری؛ خدادادی، ۱۳۹۰: ۱۷). برخی از نظام‌های حقوقی، افرادی را مسئول اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان قرار می‌دهند (بهروزیه، ۱۳۹۰). دیوان از طریق واحد شهود و بزه‌دیدگان، مکلف است به نمایندگان بزه‌دیدگان، اطلاعات کافی و تسهیلات ضروری در اجرای مستقیم وظایفشان را ارائه نماید. (آیین دادرسی و ادله ماده ۱۶ (b)) به موجب ماده ۱۰۰ ق.آ.د.ک، شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و با هزینه‌ی خود از آن‌ها تصویر یا رونوشت بگیرد. در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. این ماده نسبت به ماده ۷۳ ق.آ.د.ک گامی روبه‌جلو محسوب می‌شود؛ نخست آن که طبق ق.آ.د.ک، موضوع درخواست شاکی منحصر به «صورت‌مجلس تحقیقات مقدماتی» نبوده و شامل «سایر اوراق پرونده» نیز شده است؛ دوم، برخلاف ق.آ.د.ک سابق، در ق.آ.د.ک علاوه بر «رونوشت»، به «تصویر» هم اشاره شده است که با این وصف، این دیدگاه کارگزاران قضایی که عمدتاً قائل بودند، رونوشت به معنای رونویسی بوده و شامل روگرفت (فتوکپی) نمی‌شود، دیگر نمی‌تواند مانعی برای اخذ روگرفت باشد؛ البته به کارگیری واژه‌ی «تصویر» که اعم از روگرفت محسوب می‌شود بهتر می‌تواند این حق بزه‌دیدگان و وکلای آنان را تضمین نماید؛ سوم این که در ق.آ.د.ک سابق، شرط «منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد» جای خود را در ق.آ.د.ک به عبارت «با ضرورت کشف حقیقت منافات نداشته باشد» داده است که برخلاف عبارت ق.آ.د.ک سابق، این تعبیر جدید حقوقی، مناسب‌تر و به دور از ابهامات گسترده محسوب شده و مانعی برای اعمال سلیق شخصی، از سوی مقامات صالح قضایی قلمداد می‌گردد و سرانجام، از همه مهم‌تر این که طبق تبصره ۱ ماده ۷۳ ق.آ.د.ک، از این پس مقامات قضایی نمی‌توانند با یک دستور شفاهی ساده درخواست شاکی و وکلای او را رد نمایند؛ بلکه تصمیم مقام قضایی صرفاً باید به صورت «قرار» قابل اعتراض در دادگاه صادر شود.

### ۴- حق برخورداری از وکیل و معاضدت حقوقی؛

حضور وکیل از جانب بزه‌دیده، همچون متهم؛ در فرآیند کیفری ضرورتی انکارناپذیر است؛ بنابراین، نباید هزینه‌های ناشی از پرداخت حق‌الوکاله؛ بزه‌دیده را در استفاده از چنین فرصتی دچار مشکل سازد (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۳۰۱). اساسنامه رم، اولین و تنهاترین مرجع در میان مراجع کیفری بین‌المللی است که به بزه‌دیده این امکان را می‌دهد، نماینده‌ی قانونی داشته باشد. مساعدت بزه‌دیدگان در برخورداری از مشاور حقوقی و سازمان‌دهی نمایندگان قانونی آنان برعهده واحد بزه‌دیدگان و شهود در

دیوان است. (آیین دادرسی و ادله. ماده ۱۶ (b)) برای این منظور فهرستی از وکلا و مشاوران در اختیار بزه‌دیده قرار می‌گیرد؛ البته این امر مانع از انتخاب کسانی خارج از فهرست که واجد معیارهای تخصصی اعلام شده باشند، نمی‌گردد؛ علاوه بر این، برای کسانی که استطاعت مالی ندارند، امکان برخورداری رایگان از وکیل در نظر گرفته شده است، (آیین دادرسی و ادله. ماده ۲۱) حتی مساعدت مالی مناسب در این خصوص هم می‌تواند برای بزه‌دیده لحاظ گردد. (آیین دادرسی و ادله. ماده ۹۰ (۵)) افزایش روزافزون ارائه‌ی درخواست‌های بزه‌دیدگان برای بهره‌مندی از مساعدت‌های حقوقی از طریق نمایندگی قانونی، نشان‌دهنده‌ی اعتماد آنان به این نهاد است. میزان کمک‌های مالی به نمایندگان قانونی بزه‌دیدگان در سال ۲۰۱۲ حدود ۴/۹ میلیون یورو بوده است.<sup>۱</sup>

بر اساس ماده ۶۸ ق.آ.د.ک، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند. اگرچه در ماده ۱۹۰ این قانون، در خصوص متهم، اشاره شده است که می‌تواند یک نفر وکیل دادگستری در مرحله تحقیقات مقدماتی به همراه خود داشته باشد و این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود، اما این قانون، در خصوص بزه‌دیده از حیث بهره‌مندی از این حق و تکلیف ضابطان یا کارگزاران قضایی به ابلاغ و تفهیم این حق تصریحی نداشته و به تبع ضمانت اجرایی نیز برای سلب این حق در نظر نگرفته است. حال آن‌که تبصره ۱ ماده ۱۹۰ اشعار داشته است که سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم [در مرحله تحقیقات مقدماتی] موجب بی‌اعتباری تحقیقات می‌شود. اگرچه تدوین‌کنندگان ق.آ.د.ک در یک اقدام ابتکاری، بهره‌مندی از وکیل تسخیری را توسط دادگاه در صورت احراز عدم تمکن، علاوه بر متهم برای شخص بزه‌دیده نیز در ماده ۳۴۷ در نظر گرفته‌اند، اما از این حیث که این حق محدود به مرحله‌ی رسیدگی بوده و شامل مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی که شالوده و سرنوشت پرونده‌ی کیفری را شکل می‌دهد، نمی‌گردد، قابل انتقاد است. هرچند که وکالت تسخیری به لحاظ دلایلی که بر همگان مکشوف است، در عمل تا حدی جنبه صوری و نمادین به خود گرفته است.

##### ۵- حق درخواست صدور قرار تأمین خواسته و تضمین زیان وارده به بزه‌دیده؛

قرار تأمین خواسته یکی از سازوکارهای حمایتی از بزه‌دیده برای تضمین و تسهیل دستیابی وی به جبران خسارت است. قطعی و غیرقابل اعتراض بودن این قرار، چنین تضمینی را تقویت می‌کند (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۳۰۲). دیوان، مقررات بسیاری را به تأمین و جبران خسارات بزه‌دیدگان اختصاص داده است. در ارزیابی خسارات و شیوه‌های جبران، دیدگاه‌های بزه‌دیدگان در جلسه‌ای مستقل، استماع می‌شود. (اساسنامه دیوان. ماده ۷۵ و آیین دادرسی و ادله. مواد ۹۹-۹۴) شعبه‌ی مقدماتی باید همکاری کشورها را در خصوص انجام اقدامات تأمینی به‌منظور ضبط اموال و به‌ویژه برای حفظ منافع آتی بزه‌دیدگان جلب نماید. (اساسنامه دیوان. ماده ۵۷ (e)) «صندوق تأمین» که توسط مجمع کشورهای عضو اداره می‌شود برای حفظ منافع بزه‌دیدگان و خانواده‌های آنان؛ به‌ویژه در مواردی که به هر ترتیب، اخذ تأمین و جبران از سوی بزه‌کار امکان‌پذیر نباشد، اقدامات مناسب را معمول می‌نماید. در «لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان» تنظیمی از سوی قوه‌ی قضاییه به تشکیل صندوقی به نام «صندوق حمایت از بزه‌دیدگان» اشاره شده که تاکنون شکل قانون به خود نگرفته است. شاکی وفق ماده ۱۰۷ ق.آ.د.ک می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد و چنانچه این تقاضا مبتنی بر ادله‌ی قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین

<sup>۱</sup> - Report of the Committee on Budget and Finance on the work of its twentieth session, ICC ASP/5/12/Rev.1, 7 June 2013, para. 83

خواسته صادر می‌نماید. در ماده ۷۵ ق.آ.د.ک سابق آمده بود که قرار تأمین به محض ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می‌شود؛ حال آنکه ماده ۱۰۹ ق.آ.د.ک در جهت حفظ و حمایت بیشتر حقوق بزه‌دیده تصریح نموده در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجرا موجب تضییع خواسته می‌شود، ابتدا قرار تأمین، اجرا و سپس ابلاغ می‌شود. علاوه بر این، ق.آ.د.ک سابق در ماده ۷۴ قرار تأمین را قطعی و غیرقابل اعتراض معرفی می‌کند، اما ق.آ.د.ک در ماده ۱۱۱ حق اعتراض اشخاص ثالث به دادگاه حقوقی را تصریحاً به رسمیت شناخته است. در ماده ۲۱۷ ق.آ.د.ک برخلاف ماده ۱۳۲ ق.آ.د.ک سابق به‌عنوان جهات صدور قرار تأمین در کنار سایر جهات به «تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی» نیز اشاره شده است و مضاف بر این، به لحاظ کمی نیز ق.آ.د.ک با دو برابر نمودن قرارها، تعداد این قرارها را به ۱۰ قرار توسعه داده است.

#### ۶- تساوی سلاح‌ها و هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده با متهم

کوشش برای ایجاد برابری میان بزه‌دیده و بزه‌کار، دغدغه‌ای کلاسیک در نظریه دادگری ارسطو است. دادگری اصلاح‌گر در صدد ایجاد برابری‌ای است که پیش از عمل خطاکارانه میان بزه‌دیده و بزه‌کار وجود داشته است (فلچر، ۱۳۸۷: ۳۱۴ و ۳۱۵). بزه‌کار و بزه‌دیده به‌عنوان کنشگران اصلی جرم محسوب می‌شوند و با ابتدای بر اصل «تساوی سلاح‌ها»، حمایت از بزه‌دیده نباید حقوق مسلم و بنیادین و تضمینات اساسی برای متهم و بزه‌کار را مخدوش نماید. لذا طرفین باید بتوانند فرصت و امکانات مناسب به‌منظور دسترسی به عدالت را داشته باشند. طبق اصل یادشده، همه‌ی اشخاص باید بدون تبعیض، حق دسترسی یکسان به دادگاه داشته باشند (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۲۸۵). هم‌ترازی حق‌ها یک هنجار راهبردی کلی حقوق بشری است که شناسایی و احقاق حق‌های بزه‌دیده و متهم در دادرسی دادگرانه را با یکدیگر سازش می‌دهد. هدف دادگری جنایی بر پایه‌ی این اصل هم‌ترازی، عبارت است از شناسایی و فراهم کردن زمینه‌ی احقاق هم‌تراز حق‌های دو بازیگر فرآیند جنایی، یعنی؛ متهم و بزه‌دیده (رایجیان اصلی، ۱۳۹۳: ۱۴۵). در همین راستا، دیوان به‌منظور تساوی سلاح‌ها، تلاش نموده است تا حق بزه‌دیده راجع به ارائه‌ی دلیل را از طریق نقش دادستان و وکیل مدافع، محدود کند.<sup>۱</sup> و در جهت نیل به دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه، تلاش شده که اصل هم‌ترازی میان بزه‌دیده و متهم مراعات گردد. (اساسنامه دیوان. ماده ۶۸) با وجود این، دستیابی به توازن درخور میان بزه‌دیده و متهم، یکی از چالش‌های اصلی فراروی دیوان در آینده است (Mariniello، ۲۰۱۵: ۱۱). ماده ۹۳ ق.آ.د.ک به بازپرس تکلیف نموده که در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است، تبعیضی قائل نشود. حق اشاره‌شده در این بند، از حقوقی است که هم در رویه‌ی نظام‌های کیفری داخلی و هم بین‌المللی با نارسایی‌های بسیار مواجه است. بدیهی است تا زمانی که استانداردهای هم‌ترازی و سازوکارهای مقابله با تخطی از آن؛ به‌طور شفاف، جزئی، کاربردی و به دور از کلی‌گویی تبیین نشود، نمی‌توان در این زمینه، انتظار پیشرفت داشت.

<sup>۱</sup> - ECtHR, Berger v France, Judgment, App. No. ۹۹/۴۸۲۲۱, ۲۱May ۲۰۰۳, para.۳۸

۴۱- در پاره‌ای موارد، موازنه میان حق‌های بزه‌دیده و متهم از حیث نظری و به‌ویژه از حیث کاربردی مشکل است. در مقررات دیوان راجع به حقوق بزه‌دیده این عبارت را که: «تا جایی که منافی با حقوق متهم نباشد» مکرر شاهد هستیم. نکته اساسی در تعیین حدود و ثغور حق‌های بزه‌دیده و متهم است.

## نتیجه گیری

آن چه از بررسی و تحلیل محدودیت های حقوقی و شرعی الحاق کشور مان به اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بر می آید این که محدودیت ها دایمی نیستند. با توجه به تعارض هایی که منبعت از موازین شرعی با اساسنامه دیوان است این تعارض ها به نوعی منبعت از بافت دینی و مذهبی قانون اساسی کشور ما است که به عقیده نگارندگان این تعارضات دایمی نبوده و در سایه اصل مصلحت و حکمت در پرتو بینش حقوق مترقی اسلام به مسایل سیاسی، اجتماعی و بین المللی کشور ها، غیر قابل حل تلقی نمی شود، بلکه تصمیم گیرندگان می توانند با اتخاذ روش های مناسب و تاثیر گذار در اساسنامه به رفع این مشکلات بپردازند و این تعارضات را از میان بردارند. اما در این راستا برای تطبیق اساسنامه دیوان با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آن را در دو دسته تعارض اساسنامه دیوان کیفری بین المللی با حقوق حاکمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تعارض آن با حقوق ملت می توان مطرح نمود در نهایت دو رهیافت نسبت به دیوان کیفری بین المللی وجود دارد.

۱- وجود این دادگاه برای حیات و دوام زندگی حقوقی و سیاسی بین المللی مهم و ضروری است و از این رو بایستی به استقبال بدون شرط این اساسنامه رفت و در صورت تعارض با قوانین داخلی باید به اصلاح و تغییر قوانین داخلی به نفع دادگاه کیفری بین المللی اقدام نمود.

۲- گرچه وجود یک دادگاه کیفری بین المللی برای مجازات مجرمان و جنایتکاران جنگی و بین المللی حائز اهمیت است ولی در تعارض میان قوانین داخلی و قوانین بین المللی باید مصالح و اصول حقوق داخلی را محترم شمرد و دادگاه کیفری بین المللی تا جایی که به صلاحیت محاکم و دادگستری ملی آسیب نمی رساند صلاحیت دارد و در تعارض میان حقوق بین المللی و حقوق داخلی، ترجیح با حقوق داخلی است.

به نظر می رسد به عبارت ساده تر با توجه به اهمیت این امر به خصوص آن جایی که اگر ما صلاحیت دیوان را نپذیریم آن گاه یکی از اتباع جمهوری اسلامی ایران در یکی از کشورهای عضو، مرتکب این جنایات (ژنوسید، جنایات علیه بشریت، تجاوز و جرایم جنگی) شود و یا یکی از اتباع کشورهای عضو در ایران مرتکب این جرایم گردد نتوانیم به آن رسیدگی کنیم. بنابر این از آن جای که این امر به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران لطمه می زند و حتی شورای امنیت هم می تواند بدواً به این جنایت رسیدگی کند لذا پیشنهاد می گردد در نتیجه باید تعارض موجود را در راستای تفسیر موافق حل نماییم و هر چه سریع تر با الحاق به دیوان کیفری بین المللی بتوانیم همانند نقش های که در مرحله تدوین اساسنامه رم داشتیم در تحولات حقوق کیفری بین الملل به ویژه در نظام بین المللی حقوق بشر تاثیر گذار بوده باشیم.

علی رغم نوآوری های بسیار ق.آ.د.ک در زمینه بزه دیدگان، در مقایسه با مقررات دیوان، نارسایی های در این زمینه در ق.آ.د.ک به چشم می خورد که عدم شناسایی صریح اشخاص حقوقی به عنوان بزه دیده، عدم اتخاذ تدابیر مناسب در زمینه برخورداری از حق داشتن وکیل تسخیری در مرحله تحقیقات، عدم بهره مندی بزه دیده از مراقبت ها و حمایت های پزشکی و روانی مناسب، لحاظ نکردن تدابیر حفاظتی بایسته از بزه دیده و خانواده ی وی؛ به ویژه در قبال تهدیدهای احتمالی، وجود مشکلات ناشی از ابلاغات باز و بدون لفاف در جهت مکتوم ماندن هویت و اسرار کنشگران دعاوی کیفری، از زمره ی این موارد محسوب می گردد. اگرچه تدوین کنندگان ق.آ.د.ک به حقوق و حمایت هایی بدون سابقه ی قبلی اشاره نموده اند که این خود موجب شده است که در مجموع این قانون، گامی روبه جلو قلمداد گردد، اما در نظر نگرفتن ضمانت اجراهای بایسته برای نادیده گرفتن حقوق بزه دیدگان؛ همچون لغو و ابطال اقدامات و تصمیمات اتخاذی، علاوه بر ضمانت اجراهای پیش بینی شده برای تخلفات کارگزاران عدالت کیفری که در بردارنده ی مصالح و منافع بزه دیده هم باشد و سرانجام، فقدان پیش بینی «صندوق حمایت از بزه دیدگان»



به شکلی که در لایحه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان قوه‌ی قضاییه و مقررات دیوان در نظر گرفته شده است، از دیگر نقاط ضعف ق.آ.د.ک محسوب می‌شود. شایان ذکر است که پاره‌ای از مشکلات ق.آ.د.ک در این رابطه، ناشی از پراکندگی و عدم وجود فصلی مجزا راجع به حقوق و حمایت‌های بزه‌دیدگان است، اما عمده‌ترین چالش و مشکلی که دیوان در بیش از یک دهه‌ای که از اشتغال به کار آن می‌گذرد در این باره با آن مواجه بوده است، عدم ثبات و انسجام عملکرد دیوان در راستای مشارکت بزه‌دیدگان؛ به‌ویژه در مراحل تعقیب و تحقیق است. علاوه بر این، حضور و مشارکت نامنظم و بدون بهره‌مندی از ارشاد و معاضدت درست و کافی؛ در مجموع، تاکنون مشارکتی تقریباً، نمادین را برای بزه‌دیده، جلوه‌گر بوده است.

## منابع و مأخذ

### الف. فارسی

آشوری، محمد، و دیگران، **حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت** انتشارات دانشگاه تهران.

آخوندی، محمود (۱۳۸۷)، **آیین دادرسی کیفری**، ج ۶، تهران: چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.

آخوندی، محمود (۱۳۹۳)، **شناسای آیین دادرسی کیفری**، دفتر اول: کلیات و دعاوی ناشی از جرم»، تهران، دور اندیشان.

آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، **شناسای آیین دادرسی کیفری**، دفتر دوم»، تهران، دور اندیشان، چاپ چهاردهم.

اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، تهران، نشر میزان، پاییز ۸۶، ج اول.

اردبیلی، محمدعلی؛ **حقوق جزای عمومی**، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، جلد اول.

باقری نژاد، زینب (۱۳۹۴)، **اصول آیین دادرسی کیفری**، تهران: خرسندی.

بروس راست، **سیاست جهانی**، انتشارات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، 1387

پاشا صالح، علی، **تاریخ حقوق**، انتشارات دانشگاه تهران، 1346

خالقی، علی (۱۳۸۹)، **آیین دادرسی کیفری**، چاپ چهارم، تهران: شهر دانش.

خالقی، علی (۱۳۹۴)، **«نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری»**، چاپ چهارم، تهران: شهر دانش.

خوانساری، محمد، **منطق صوری**، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۶۲

دانش، تاج الزمان، **کیفرشناسی و علم زندان‌ها**، تهران، انتشارات زندان قصر.

دانش، تاج الزمان، **جرم چیست مجرم کیست؟**، تهران، موسسه کیهان، 1367

دهخدا، علی اکبر **لغت نامه دهخدا** جلد ۱، ۱۳۴۲

دشتی سید مصطفی حسینی **دائرة المعارف جامع اسلامی** جلد ۴

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، **«بزه‌دیده‌شناسی حمایتی»**، چاپ دوم، تهران: دادگستر.

رحمدل، منصور: **تناسب جرم و مجازات** انتشارات سمت تهران ۱۳۸۹

زراعت، عباس؛ شرح قانون مجازات اسلامی بخش کلیات (حقوق جزای عمومی). (انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۷۹ چاپ سوم)

زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱

سفارت جمهوری اسلامی ایران-لاهیة؛ دیوان بین المللی کیفری.

سیاح، احمد فرهنگ جامع عربی- فارسی ۴جلد در دو جلد چاپ چهاردهم جلد ۱ و ۲

شریعت باقری، محمدجواد، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، انتشارات جنگل، 1386.

شریعت باقری، محمد جواد؛ حقوق کیفری بین المللی (انتشارات جنگل، چاپ سوم، تابستان ۱۳۸۵)

شریعت باقری، محمد جواد؛ صلاحیت رسیدگی به جرائم حقوق بشر در فرانسه.

شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین، آذر ۸۴، چاپ دوازدهم، ج اول.

صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات دانشگاه ملی، 1356

طهماسبی، جواد؛ حقوق جزای بین المللی؛ (جزوه درسی، پیام نور مرکز تهران پاییز ۱۳۸۷)

گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران نشر جهان دانش ۱۳۸۸

گلدوزیان، ایرج؛ بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴،

مویدی، محمد صالح جزوه حقوق جزای عمومی ۳ دانشگاه آزاد اسلامی آبادان مهر ماه ۱۳۹۲

مطهری، مرتضی عدل الهی چاپ هشتم انتشارات صدرا ۱۳۷۷

مارک آنسل، مکتب دفاع اجتماعی نوین، ترجمه ی محمد آشوری و عبدالحسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه تهران،

1370

محسنی، مرتضی، حقوق جزای عمومی، انتشارات دانشگاه ملی، 1356

محسنی، مرتضی؛ دوره حقوق جزای عمومی، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵، جلد اول،

منتسکیو، شارل، روح القوانین، ترجمه ی علی اکبر مهتدی، موسسه امیرکبیر، چاپ نهم، 1370

میر عباسی، سید باقر؛ سادات میدانی، سید حسین. دادرسی های بین المللی، دیوان بین المللی دادگستری در تئوری و عمل.

(انتشارات جنگل، تهران، چاپ اول ۸۴)

نجف پور، محسن؛ اصل سرزمینی بودن جرائم و مجازات ها.

نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳،

ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی تهران، بهار ۱۳۷۲، مرکز نشر داد ج دوم

ولیدی، محمد صالح؛ بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، جنگل، ۱۳۸۸،

- پایان نامه ها

رضایی امین، فاطمه پایان نامه کارشناسی ارشد، تناسب جرم و مجازات از دیدگاه اسلام دانشکده الهیات و علوم انسانی

دانشگاه پیام نور ۱۳۸۸

هوشیار، مهدی پایان نامه کارشناسی ارشد، رویکرد اصل ترتیبی نظام رتبه بندی مجازاتها در حقوق کیفری ایران، دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۸

#### - مقالات:

آشوری، محمد؛ خدادادی، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، «حقوق بنیادین بزه دیده در فرآیند آیین دادرسی کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲.

ابراهیمی، پیمان (۱۳۸۴)، «بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۲ و ۵۳: صص ۳۲۵-۲۸۷.

اسحاقی، محمد مهدی، بررسی اصل تناسب جرم و مجازات.

اکبری، عباسعلی، پژوهشنامه حقوق کیفری سال پنجم شماره دوم پائیز و زمستان ۱۳۹۳

بوریکان، ژاک (۱۳۸۱)، «اطفال بزه دیده و بزهکار در حقوق فرانسه». ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۰۴-۱۸۵.

پور بافرانی، حسن؛ اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه در حقوق جزای بین الملل و ایران. (نامه مفید، شماره ۳۷، مرداد و شهریور ۸۲)

تاورنیه، پل (۱۳۷۴)، «دادگاه جزایی بین‌المللی: تحولات اخیر»، ترجمه ابراهیم بیک زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، صص ۵۲۳-۵۱۰.

حسینی کوهساری، سید اسحاق رابطه عدالت و حقوق در اسلام نشریه علوم انسانی، مجله مجتمع آموزشی قم سال اول شماره ۴ زمستان ۱۳۷۸

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۳)، «بازاندیشی دادرسی دادگراانه در پرتو اصل هم ترازوی حق های بزه دیده و متهم»، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۴۸-۱۳۱.

رضوی فرد، بهزاد؛ فقیه محمدی، حسن (۱۳۹۰)، «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی ریاست جمهوری. سال ۲۸، شماره ۴۵، صص ۲۳۳-۱۹۵.

ساقیان، محمد مهدی (۱۳۹۳)، «تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری ۹۲»، فصلنامه‌ی پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۶، صص ۱۳۶-۱۱۳.

شیری، عباس (۱۳۸۵)، «پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴، صص ۲۴۵-۲۳۱.

طهماسبی، جواد؛ قلمرو زمانی صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری (مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوق و امور مجلس دیاست جمهوری، تهران ۱۳۸۶)

غلامی، حسین؛ رستمی غازانی (۱۳۹۲)، «زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۴-۳۳.

فلچر، جرج (۱۳۸۷)، «جایگاه بزه دیدگان در نظریه سزادهی»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲ و ۶۳، صص ۳۲۰-۳۰۳.

کاتوزیان، ن؛ عدالت در زندگی اجتماعی و حقوقی نشریه اقتصاد، تامین اجتماعی زمستان ۱۳۷۹ شماره ۷  
گرکاو، سام (۱۳۹۲)، «بزه دیدگان در دادگاه کیفری بین‌المللی»، ترجمه حیدر فرهنگدفر، مجله تعالی حقوقی، شماره ۳، صص ۳۴-۴۰.

نجفی‌ابرنادادی، علی‌حسین (۱۳۸۶)، «رویکرد جرم‌شناختی به قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»، مجله تعالی حقوق، سال دوم، ش ۱۳ و ۱۴.

نیاز پور، امیر حسن (۱۳۹۱)، «نقش بزه‌دیده در چگونگی پاسخ‌دهی به بزه‌کاران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷، صص ۳۸۴-۳۴۷.